

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه درس دانش خانواده و جمعیت

حاجی پور

نیازهای انسانی

در همه انسان ها، نیازهایی وجود دارد که سرچشمه تمام فعالیت های آنهاست؛ به تعبیر دقیق تر نیازهای انسانی باعث انگیزه می شوند و انگیزه ها هستند که انسان ها را به سوی رفتارها جهت می دهند و باعث تعادل روانی در آنها می گردند. نیازهای انسانی مانند موتوری هستند که انسان را به سوی هدف های زندگی پیش می برند.

در یک تقسیم بندی کلی، نیازها دو دسته اند:

1. نیازهای زیستی: خوراک، پوشاک، مسکن و...

2. نیازهای اجتماعی: نیاز به محبت و دوستی، احترام، کار و...

طبق نظریه مزلو(مازلو)، نیازهای آدمی در پنج طبقه قرار داده شده اند که به ترتیب عبارتند از:

1. نیازهای زیستی: نیازهای زیستی در مرحله اول قرار دارند و تا زمانی که به مقدار معقول تأمین

نشوند، نوبت به سایر نیازها نمی رسد. هم چنین اگر انسان فقط به این نیازها بیندیشد، عمده فعالیت های شخص در همین سطح باقی خواهد ماند و او برای بقیه نیازها انگیزه چندانی نخواهد داشت. نیازهای زیستی یعنی: خوراک، پوشاک، غریزه جنسی و مسکن.

2. نیازهای امنیتی: نیاز به رهایی از وحشت، تأمین جانی، نیاز به حفاظت از خود در زمان حال و آینده.

3. نیازهای اجتماعی: احساس تعلق و محبت؛ از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است این نیازها برای ارتباط با دیگر انسان ها مطرح می شود.

4. احترام، عزت، اعتبار: این احترام قبل از هر چیز نسبت به خود است و سپس قدر و منزلتی که

توسط دیگران برای فرد حاصل می شود.

5. خود شکوفایی: یعنی شکوفا کردن تمامی استعدادهای پنهان آدمی. مزو می گوید: آنچه انسان

می تواند باشد، باید بشود.



البته به طبقه‌بندی مذکور دو نیاز دیگر نیز اضافه شده است که قبل از نیاز به خود شکوفایی قرار می‌گیرند؛ نیاز به دانش‌اندوزی و شناخت و درک پدیده‌ها، و نیاز به زیبایی و نظم.

دو نیاز مهم جوانی:

در بین نیازهای متنوع جوانی، دو نیاز مهم وجود دارد: 1. نیاز جنسی: شهوت، 2. نیاز عاطفی: محبت

بحثی پیرامون تفاوت میل و نیاز:

1. نیاز همیشه واقعی و درست است. مثل نیاز به غذا، اما میل گاهی درست و گاهی کاذب و غلط است.

میل کاذب مثل این که فکر می‌کنیم گرسنه ایم، اما واقعا گرسنه نیستیم.

2. غالبا منشأ نیاز، درونی است. به تعبیری غالبا عامل درونی باعث ایجاد نیاز می‌شود.. ولی شاید

بتوان گفت که میل در اکثر مواقع، عامل بیرونی دارد و محرک‌های بیرونی باعث میل ما به چیزی می‌شود.

دیگران شاید بتوانند برای ما میل‌سازی نمایند، ولی نیاز سازی خیر.

3. نیاز همیشه ضروری است که اگر در جهت رفع نیاز تلاش نکنیم، زندگی مان با اختلال روبرو می

شود. اما میل، یک گرایش غیر ضروری انسانی است و شاید بتوان گفت بدون لحاظ امیال، زندگی کماکان ادامه دارد.

مثال: گرسنه ایم

1- غذا می‌خوریم و رفع نیاز می‌شود.

2- میل وارد معرکه می‌شود و می‌گوید بیشتر بخور یا می‌گوید فلان نوشیدنی را هم کنارش بخور.

با این تعبیر سوم می‌شود گفت که احتمالا امیال پس از ایجاد نیازها و رفع نیازها شروع می‌شود.

چهار راهکار در مواجهه با نیاز جنسی و نیاز عاطفی:

1. سرکوبی و محدودیت همیشگی: صحیح نیست. اخلاقی نیست. مشروع نیست.

سرکوبی نیاز جنسی به این معناست که گزینه جنسی به طور کامل نادیده گرفته شود و نیازهای جنسی انکار گردد و حتی با آن مقابله شود. مثلا کارهایی انجام داده شود که انسان عقیم گردد.

2. آزادی و رهایی کامل گزینه جنسی و نیروی عاطفی (روابط آزاد جنسی و روابط عاشقی دختر و

پسر). به دلیل پیامدهای خطرناکی که خواهد داشت، اخلاقی نیست. مشروع نیست. در مطلب بعدی توضیح داده خواهد شد.

3. ازدواج: راهکار عقلانی و اخلاقی و قانونی و مشروع است. راه حل اصلی است. با ازدواج

همه غرایز و نیروهای درونی تنظیم می شود. مطالب دانش خانواده با همین راه حل سوم شکل می گیرد.

4. خویشتن داری و خودکنترلی: راه حل مناسبی است و راهکار اخلاقی و مشروع است، ولی

یک راه حل مقطعی است؛ زیرا انسان که نمی تواند برای همیشه نسبت به غرایزش محدودیت قائل شود. البته خویشتن داری و خود کنترلی و عقیف و پاکدامن بودن، مخصوص زمان مجردی نیست، بلکه انسان متأهل هم باید در برابر نامحرمان خویشتن دار باشد.

پیامدهای دوستی با جنس مخالف:

تحریف هویت، گرایش به الکل و مواد مخدر، تشدید درگیری خانواده، بروز ناهنجاری های اجتماعی، منجر به تجاوز های جنسی، اختلالات هیجانی عاطفی، کاهش عزت نفس.

پیامدهای روابط آزاد با جنس مخالف:

افسارگسیختگی امیال جنسی، احساس گناه (خودسرزنی، احساس حقارت انزوا)، محرومیت از ارزش های والای وجودی (طبق جدول مازلو)، آسیب رساندن به زنان، ظهورتنش های روانی مثل افسردگی، بروز آسیب های معنوی و عاطفی، فراوانی ازدواج های ناپایدار، کاهش لذت جنسی، بیماری های مقاربتی مثل ایدز و...

خود ارضایی (استمناء) و پیامدهای آن:

الف: ضررهای جسمی: کم خونی، خستگی و کوفتگی، ناتوانی جنسی، ضعف حافظه و حواس پرتی، ضعف بینایی، ضعف عمومی بدن، تضعیف قلب، کمر درد، ناراحتی دستگاه تناسلی، تنگی نفس، ریزش مو، زشتی چهره، لرزش دست، خرابی اشتها، لاغری، درد اعضا بدن، قاعدگی نامنظم، خطر از بین رفتن بکارت

ب: ضررهای روحی و روانی: ضعف اعصاب و پرخاشگری، ضعف اراده، احساس حقارت، تند خویی، افسردگی، حسادت، و ...

ج: ضررهای اجتماعی: دوری از اجتماع و میل به گوشه گیری، بی میلی به ازدواج، ناسازگاری خانوادگی

با توجه به اهمیت نیاز و نیروی جنسی، و با توجه به این که گفته شد راهکار رهایی و آزادی جنسی، راهکاری زیان آور برای وضعیت حال و آینده انسان است و با توجه به اینکه ارضای نامشروع نیاز جنسی چه در روابط آزاد و یا زنا، و چه در خودارضایی و یا استمناء، و چه در همجنس بازی و یا لواط و سُحق و سایر موارد حرام و نامشروع، علاوه بر ارتکاب فعل حرام، امکان اسارت انسان در دام اعتیاد جنسی را فراهم می کند، ناگزیر در ادامه به این بحث پرداخته می شود.

پیرامون اعتیاد جنسی

عادت: سلسله رفتارهایی که شخص به صورت مرتب و نامرتب انجام می دهد.

عادت دو گونه است:

1. مثبت: فعالیت تکرار شونده ای که پشتوانه منطق و خرد دارد.

نکته مهم: شاید و شاید بتوان گفت عادت مثبت نداریم. تکرار فعالیت(مثبت) با عادت(منفی) فرق دارد.

به تعبیری، تکرار (مانند تکرار نماز) مثل کلنگی است که بر زمین می زنیم و گودالی می کنیم تا به آب برسیم.

هر تکرار یک قدم رشد و رسیدن به کمال است. این تکرار بر اساس منطق و با توجه کامل است.

2. عادت منفی: سلسله رفتارهایی که باعث می شود نسبت به فعالیت هایمان کمتر بیندیشیم و توجه کمتری داشته باشیم. به تعبیر دیگر عادت یعنی فعالیت های تکرار شونده ای که به هیچ منطقی وابسته نباشند.

نکته: عادت (با توجه به معنای منفی اش یعنی عادت منفی) باعث می شود خلاقیت از انسان گرفته شود. خلاقیت یعنی خلق نمودن و یا تغییر دادن. عادت سبب می شود تا به دنبال تغییر و خلق نباشیم. و چه بد است که انسان دنبال تغییر نباشد. به همین جهت است که گفته شده: آن روز که تغییر نکرده ایم، مرده ایم. امام کاظم علیه السلام می فرماید: من استوی یوماه، فهو مغبون؛ هر کس دو روزش با هم مساوی باشد، زیانکار است. «بحار، ج78، ص326

در روایت دیگری آمده است که هر کس امروزش از دیروزش بدتر باشد، به خود خیانت کرده است.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم. موجدیم که آسودگی ما عدم ماست.

اعتیاد جنسی چیست؟

تکراری شدن یک رفتار جنسی به گونه ای که شخص در مهار تمایلات و فعالیت های جنسی، توانایی لازم را نداشته باشد.

اعتیاد جنسی شامل موارد زیر است:

1. رابطه جنسی انسان با خود: استمناء- خودارضایی
2. رابطه جنسی انسان با جنس مخالف: زنا
3. رابطه جنسی انسان با هم جنس (1. مرد با مرد: لواط 2. زن با زن: سُّحَق)
4. رابطه جنسی انسان با حیوانات
5. رابطه جنسی انسان با ابزار مصنوعی

نکاتی پیرامون اعتیاد جنسی:

1. این گونه نیست که معتاد جنسی، حتما شهوت جنسی فراوانی داشته باشد، بلکه ممکن است شهوت جنسی اش اندک باشد، اما میل جنسی اش زیاد باشد. همان میل که قبلا گفته شد ممکن است کاذب باشد.
2. حتی ممکن است معتاد جنسی از رابطه جنسی خود با دیگران یا خودارضایی، لذت نبرد، ولی به خاطر احساس عجز و ناتوانی در برابر عادت خویش، ناچاراً این کار را انجام دهد.
3. حتی یک شخص که دارای اعتیاد جنسی است، پس از هر فعالیت اعتیادی اش احساس گناه می کند و عهد می بندد که چنین کاری را تکرار نکند، ولی باز همان عادت غیر منطقی به سراغش می آید.
4. شخص معتاد می خواهد از طریق رابطه جنسی، عقده های درونی و اضطراب ها و استرس ها و دردهای عاطفی اش را کاهش دهد.

راهکارهای ترک اعتیاد جنسی چیست؟

1. اگر عادت جنسی به اوج رسیده باشد، درمان اعتیاد جنسی مانند درمان وابستگی به مواد مخدر، نیازمند درمان روانشناختی، روان درمانی و روان پزشکی است.
 2. تلاش در جهت رفع اضطراب و استرس
- استرس و اضطراب و تشویش، نقش بسیار زیادی در تولید میل جنسی کاذب دارد. تأسف بارتر آن که به خاطر رفع استرس، به عادت جنسی خویش پناه می برد. اما با هر بار تکرار عادت جنسی منفی، اضطراب دو چندان می گردد. در واقع اضطراب، هم علت و هم معلول رابطه جنسی حرام است.
- بنابراین باید در جهت رفع اضطراب و استرس کوشید و موارد زیر در جهت رفع استرس موثر است: ورزش، نظم بخشیدن به افکار و کارهای روزانه «طبقه بندی افکار و افعال»، هم کلامی و هم صحبت شدن با انسان های امیدوار، پر رنگ نمودن فرایند امید و موفقیت در زندگی، پر رنگ نمودن نقش دعا و مناجات و ذکر خدا
3. فرار از تنهایی
- یکی از عادت های جنسی، خودارضایی است و خودارضایی را مرض تنهایی نامیده اند. پس باید از تنهایی فرار نمود. تنها ماندن در یک مکان برای شخصی که اعتیاد جنسی پیدا نموده، ضرر دارد.

4. بازسازی روابط از هم گسسته فرد

از آنجا که بین نیروهای مختلف درونی انسان، رابطه های عمیقی وجود دارد بین شهوت و محبت نیز چنین تناسبی برقرار است. به هر میزان که شخص در روابط اجتماعی و ابراز و دریافت محبت ناموفق باشد، تشویش و اضطراب او افزایش می یابد و امکان دارد که دلهره ها او را به سمت عادت های جنسی ناپسند بکشاند. به عقیده برخی از روان شناسان، برخی از انحرافات جنسی، ناشی از کمبود محبت و عواطف، و ایجاد حقارتی است که در طول زندگی به شخص لطمه وارد ساخته است.

5. بازسازی ذهن منفی به سمت ذهن مثبت

هر مقدار که شخص به عادت جنسی گرفتار تر می شود، ذهنش خراب تر می گردد و شیطان او را یاری می کند و به او القا می نماید که تو در برابر مسئله جنسی ناتوان و عاجزی، اما باید وی نور امید را در وجود خود پر رنگ نماید و به خودش نهیب زند که تو می توانی. تو انسان هستی و انسان، اراده دارد. انسان ریبات نیست. انسان با نیروی اراده، هر ناممکنی را ممکن می نماید.

6. تخلیه انرژی جسمانی مثل ورزش

انرژی ها و نیروهای زیادی در انسان وجود دارد که به همدیگر مرتبط هستند. یکی از آنها نیروی جنسی است. ورزش و تخلیه انرژی، انگیزه انسان را نسبت به شهوت و عادت به شهوت کم رنگ می کند.

7. دوری از محرک های جنسی و کنترل نگاه

محرک های جنسی، تخیل ایجاد می کند. محرک های جنسی مانند صحبت با نامحرم « مگر در حالت اضطرار»، دیدن فیلم و عکس، گفتگوهای جنسی، نگاه به اندام جنسی خویشان و...

8. دوری از اوقات فراغت و بیکار

9. تنظیم خواب

10. کنترل کوتاه مدت؛ مثلاً کنترل سه ساعته شهوت

11. حفظ اسرار و عدم بازگویی به دیگران

چه بسا عادت و گناهی که به دیگران گفته می شود و آنها پیوسته به انسان یادآوری می کنند و محرک سازی صورت می گیرد.

12. تغذیه مناسب

13. ازدواج

14. استمداد از خدا در قالب نیایش و توبه

عفت، پاکدامنی و خویشتن داری:

یکی دیگر از راهکارهای عقلانی، اخلاقی، و مشروع در مواجهه با نیروی جنسی، خود کنترلی و خویشتن داری است که یک انسان چه مجرد و چه متأهل، موظف است تا نسبت به نیروی شهوت، عقیف و پاکدامن است.

«عفت» عبارت است از تسلیم و اطاعت شهوت در برابر عقل؛ یعنی قوه شهوانی انسان، کارهای خود را بر اساس دستور عقل انجام دهد. عفت، به طور کلی و مخصوصاً عفت در شهوت جنسی که از آن به پاکدامنی تعبیر می شود، مربوط به مردان و زنان است. هنگامی که خداوند خیر و خوبی بنده اش را بخواهد، در برابر غذاهای حرام عفت شکم، و در برابر مُحَرّمات جنسی، عفت جنسی به او می دهد.

در خویشتن داری قبل از ازدواج ؛ دین بر امور زیر تأکید می کند:

1. تأکید بر حیا در روابط با جنس مخالف

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر حیا نبود از هیچ یک از کارهای زشت دوری نمی شد. اگر مردم حیا نداشتند از فحشا پرهیز نمی کردند.

2. ایجاد نگرش منفی نسبت به پیروی از غرایز حیوانی

امام علی علیه السلام می فرماید: ابتدای شهوت ها طرب و شادی است و آخر آن رنج و دشواری.

3. ایجاد نگرش منفی نسبت به دل بستگی به نامحرم و توصیه به وارسنگی

امام علی علیه السلام می فرماید: هر که عاشق شود، چشم بصیرت او کور می شود و قلبش بیمار می گردد.

4. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس

دیدن مطالب مستهجن، و نگاه حرام به نامحرم، هم چنین شنیدن و گوش دادن به مطالبی که نیروی شهوانی را تحریک می کند، و هم چنین بیان کردن مطالب و خاطرات ناسالم سبب می شود که نیروی جنسی فعال گردد و او را به بیراهه های گناه بکشاند. به همین خاطر دین از همان ابتدا نسبت به این امور هشدار داده است. در اینجا به خاطر اهمیت موضوع نگاه، پیرامون آن تحلیل می شود.

پیرامون نگاه

قرآن کریم می فرماید: « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ به مردان باایمان و زنان باایمان بگو که چشم های خود را فرو بندند.» غَضُّ با غمض فرق می کند، اولی نقصان و کم کردن از نگاه و به زیر افکندن آن است و دومی به معنای فرو بستن و چشم برهم نهادن می باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ فُضُولَ النَّظَرِ فَإِنَّهُ يَبْذُرُ الْهَوَىٰ وَ يُؤَلِّدُ الْعَفْوَ؛ از هرزه چشمی و چشم چرانی پرهیزید؛ زیرا نگاه، هوس و شهوت را می رویاند و موجب غفلت می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً؛ چه بسا یک نگاه، که حسرتی طولانی را به جای می گذارد. زدست دیده و دل هردو فریاد / که هر چه دیده بیند، دل کند یاد.

نکته 1: هر نگاه کردنی، اثری بر جای می گذارد؛ بعضی نگاه کردن ها لذت بخش است؛ مثلاً نگاه به گل و طبیعت و کوه لذت بخش است. اما بعضی نگاه کردن ها، تنفر برانگیز است؛ مثلاً دیدن کتک کاری و یا قتل دیگران از روی ظلم و ستم، که بسیار نفرت انگیز است.

نکته 2: در بین دیدن هایی که ایجاد لذت می کند، برخی نگاه ها تاثیرات مطلوبی بر انسان می گذارد، و برخی از نگاه ها پیامدهای نامطلوبی بر جای می گذارد.

نکته 3: از جهت شریعت اسلامی نیز می توان نگاه ها را دسته بندی نمود؛

- برخی نگاه ها واجب و ضروری هستند، مثلاً نگاه قاضی به صورت مساوی بین متهم و شاکی

واجب است، نگاه کردن در حین رانندگی، به خاطر دفع ضرر فردی و اجتماعی ضروری است.

- برخی نگاه ها مستحب است؛ مثلاً طبق روایات ، نگاه به قرآن، نگاه به عالم دینی، نگاه به چهره پدر و مادر، و نگاه به دریا مستحب است و عبادت محسوب می گردد.

پیامبر اسلام می فرماید: النظر فی ثلاثه أشياء عباده: فی وجه الوالدین و فی المصحف فی البحر؛ نگاه به سه چیز عبادت است: چهره پدر و مادر، قرآن کریم و دریا. هم چنین از آن بزرگوار نقل شده است که فرمود: النظر الی العالم عباده؛ نگاه به چهره عالم عبادت است.

- برخی نگاه ها مباح هستند. بیشتر نگاه هایی که در طول شبانه روز انجام می گیرد و در دایره واجب و حرام و مستحب و مکروه نیستند، از جهت فقهی مباح هستند.

- برخی نگاه ها مکروه هستند. به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام می فرماید: «در هنگام آمیزش به آلت جنسی زن نگاه نکنید که بیم آن می رود فرزند کور شود» این نگاه کردن مکروه است.

- برخی نگاه ها حرام است. به عنوان نمونه ، نگاه به حریم خصوصی دیگران حرام است.

یکی از موارد مهم نگاه های حرام، نگاه به نامحرم است؛ نگاهی که از روی قصد و لذت انجام می شود که البته نگاه به عورت زن حتی بدون قصد لذت هم حرام است.

طبق روایت امام علی علیه السلام ، چشم جاسوس دل و قاصد عقل است: الْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ وَ بَرِيدُ الْعَقْلِ. بر این اساس نگاه بد، مقدمه تخیل و تفکر ناروا را فراهم می کند و همین تخیلات و تفکرات نامربوط، علاوه بر این که شخصیت انسان را تشکیل می دهند، او را به رفتارهای ناصحیح می کشانند.

کسی که کنترلی روی چشم های خود ندارد و چشم های او مُدام به صحنه های مهیج نگاه می کند، همیشه دلش شلوغ و پُراشوب است و از آرامش دل بی بهره است. او دچار یک حالت نیاز و تشنگی دائم گشته و برای برطرف کردن این عطش روحی ، و برای ارضای امیال خود به ذلت ها و حقارت های بسیاری تن می دهد.

برخی پیامدهای چشم چرانی:

1. هرزگی و غفلت

انسانی که کنترل چشم و نگاه خویش را ازدست می دهد دچار هرزگی و هواپرستی می گردد و در نتیجه در باتلاق غفلت فرورفته، سرمایه عمر خویش را هدر می دهد.

حضرت عیسیٰ علیه السلام به یارانش فرمود: **إِيَّاكُمْ وَالنَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَكَفَىٰ بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً**؛ از نگاه حرام دوری کنید، زیرا چنین نگاهی در زمین دل شما بذر شهوت می‌پاشد و همین آغازی برای فرو افتادن در فتنه است.

2. دام شیطان

شیطان بر سر راه آدمی همواره دام گستری می‌کند، دام‌های شیطان برخی محسوس و قابل رؤیت و برخی نامرئی و پنهان است. اضافه بر آن گاهی برای پنهان نگه داشتن دام، از دانه کمک می‌گیرد، انسان‌های غافل و جاهل در حالی که چشم خود را بر دانه‌ها دوخته سرگرم برداشتن و خوردن آن هستند ناگهان گرفتار دام‌های پنهان شیطان می‌شوند که بیرون آمدن از آن کار آسانی نیست. چشم چرانی یکی از دام‌های شیطان به شمار آمده است.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: **النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا لِعَيْرِهِ أُعْقِبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ**؛ نگاه حرام تیری از تیرهای مسموم شیطان است. هر کس از آن به خاطر خدا صرفنظر کند، طعم و مزه ایمان را خواهد چشید. (ماجرای شیخ رجبعلی خیاط)

3. آه و حسرت

یکی دیگر از پیامدهای چشم چرانی آن است که انسان چشم چران، به لحاظ اینکه همواره صحنه‌ها و مناظری می‌بیند که غالباً به آن دسترسی ندارد، در نتیجه از درون گرفتار آه و حسرت و آرزوهای می‌شود که به خاطر دست نیافتن به آنها خود را می‌آزارد و زندگی شیرین و بی‌دغدغه خود را گرفتار اضطراب، دل‌مشغولی و حسرت‌ها و ای‌کاش‌های بیهوده و دست نیافتنی می‌سازد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: **مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثُرَ أَسْفُهُ**؛ آنکه کنترل چشم را ازدست بدهد، حزن و اندوه او بسیار می‌گردد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً**؛ چه بسا یک نگاه گناه‌آلود، آرزو و حسرت طولانی را به جای می‌گذارد.

نتیجه آن که برخی نگاه‌ها به گناه ختم می‌شود و برخی نگاه‌ها به خدا؛ خوشا به حال آنان که نگاه‌هایی دارند که آنها را به تقرب به خدا می‌رساند.

البته در این باره مسئله پوشش‌های نامناسب نیز مطرح می‌شود؛ زیرا بی‌حجابی و یا بدحجابی‌های برخی بانوان و البته پوشش نامناسب برخی از مردان سبب عمومی شدن بستر گناهان چشم می‌گردد.

حجاب و پوشش:

پوشش نامناسب چه دلایلی می تواند داشته باشد؟

1. مدگرایی
2. جلوه گری و خودنمایی (خودآرایی مطلوب است ، ولی خودنمایی نامطلوب است.)
3. همسریابی (شوهر یابی)
4. بیان نوعی اعتراض: به خانواده، یا به حکومت، یا به جامعه
5. محدودیت
6. جذابیت
7. رفتار ناشایست برخی از با حجاب ها
8. گران بودن ملزومات حجاب
9. ناآگاهی و یا کم آگاهی نسبت به زیبایی های حجاب
10. عادات خانوادگی
11. نقص رسانه ها

فلسفه و کارکرد پوشش و حجاب:

جنبه فردی:

1. حفاظت در برابر سرما و گرما
2. حفظ عفت و پاکدامنی
3. آراستگی، زیبایی، و وقار
4. در امان ماندن از نگاه حرام و آلوده، و نا امید نمودن انسان های هوس باز

جنبه اجتماعی:

1. حفظ تعادل جامعه از نظر امنیت و آرامش روانی
2. حفظ و تحکیم بنیان خانواده

3. پیشگیری از فحشا و فروپاشی نظم جامعه
4. جلوگیری از نگاه ابزاری و ابتدالی به زنان (پوشش ضعیف، تقاضای بیشتر، و ابزار تبلیغ گروه های سود محور)

آثار تشکیل خانواده از منظر آموزه های دینی:

1. تجربه همسر شدن و سپس پدر یا مادر شدن ، نوعی کمال شخصیت محسوب می شود.
2. اعتبار اجتماعی به فرد می بخشد.
3. خودگرایی تبدیل به دیگرگرایی می شود.
4. ایمان کامل تر می شود.
5. عواطف لطیف انسانی به خروش در می آید.
6. احساس مسئولیت ها بیشتر می شود .
7. تعداد بستگان و حامیان افزایش می یابد .

معیارهای همسرگزینی:

معیارهای زیادی در انتخاب همسر می توان ملاحظه نمود مثل ایمان و دینداری، حُسن خلق، اصالت خانواده، عقل و هوش، موفقیت اجتماعی ، همانندی و کفویت، تقارن سنی در ازدواج ، سلامت جسم ، سلامت روان، عفت و پاکدامنی، جمال و زیبایی، باکره و دوشیزه بودن، مال و ثروت، شغل، تحصیلات ، عشق و علاقه، جایگاه خانوادگی و...

ولی در یک تقسیم بندی کلی همگی آنها در چهار مورد زیر دسته بندی می گردند:

1. همتایی و همانندی

بر اساس تعالیم اسلام زن و مرد بهتر است هم کفو، همتا و همانند یکدیگر باشند. نکته: موارد مختلفی را می توان در همانندی مطرح کرد، ولی به طور مسلم یک مرد و زن در تمام موارد همانند یکدیگر نخواهند بود، بلکه همین اندازه که در بیشتر خصوصیات مشابه هم باشند، کافی است.

در لغت، «کفو» یا «کفو» به معنای همپراز و همسنگ و همسان بودن در منزلت و قدر و ارزش است.

در کتاب های فقهی برای کفویت در ازدواج میان زن و مرد دو مصداق ذکر شده است:

اول: کفویت شرعی: یعنی، کفویتی که در صحت و درستی عقد ازدواج، لازم است. مثل مسلمان بودن و یا ایمان داشتن؛ بنابراین زن و مرد، باید از نظر اسلام و ایمان هم سطح و هم طراز یکدیگر بوده و تفاوت زیادی با هم نداشته باشند. البته نمی توان ادعا کرد که این همطرازی و هم سطحی باید از هر دو طرف کامل بوده و به یک مرتبه باشند؛ زیرا ایمان و اسلام در انسان ها دارای مراتب قوی و ضعیف است.

مثال: در اعتبار کفویت شرعی، ازدواج مسلمان با کافر غیر کتابی و نیز زن مسلمان حتی با کافر کتابی صحیح نیست. و این مورد اتفاق همه فقها است.

دوم: کفویت عرفی: یعنی، زن و مرد از نظر شئون اجتماعی با هم متناسب باشند. میان زن و مرد بایستی توافق فکری و تناسب روحی و اخلاقی وجود داشته باشد و دو همسر از نظر فرهنگ خانوادگی و روحیات، هم سطح یکدیگر باشند تا بتوانند به خوبی یکدیگر را درک نموده و کانون زندگیشان را گرم و پررونق نگه دارند.

نکته مهم: در مجموع آنچه درباره معنای کفو بودن در ازدواج، میان کفویت شرعی و عرفی مشترک است، عبارتند از: همتایی و هم طراز بودن زن و مرد به لحاظ دینی و ایمانی، و دارا بودن شرایط مذهبی و اخلاقی، نه همتایی و هم طرازی در مسائل مادی و مالی.

2. ایمان

ایمان و باورهای صحیح در حد لازم و کافی، مهم ترین ویژگی لازم برای همسر محسوب می شود. این شرط را می توان یک ملاک مطلق دانست که در همه شرایط زمانی و مکانی، برای یک همسر مناسب ضروری است. بنابراین، اگر فردی ویژگی های دیگر را دارا باشد، ولی از ایمان، باورهای دینی و مشترکات اعتقادی در حد مناسبی برخوردار نباشد، فاقد شرایط محسوب می شود و انسان را از سعادت دنیوی و اخروی باز می دارد.

امام صادق علیه السلام: اگر مردی، با زنی به خاطر زیبایی و یا ثروتش ازدواج کند، از هر دو [زیبایی و ثروت] محروم ماند و اگر برای دین و تقوایش با او ازدواج کند، خداوند مال و جمال نیز نصیبش گرداند.

نکته: البته اگر هرکدام از پسر یا دختر در ایمان، قوی باشد و دیگری نسبت به این امر، بی تفاوت باشد، یقیناً بین آن‌ها اختلاف به وجود خواهد آمد. این معیار به گونه‌ای داخل در معیار اول است که ذکر شد؛ یعنی یکی از ملاک‌های همسرگزینی، همتایی و همانندی است و همتایی در ایمان، مهم‌ترین مورد همتایی و همسانی زن و شوهر است.

3. خوش اخلاقی

اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم، و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق نیکو فراهم می‌شود. شخصی از امام رضا علیه السلام درباره فردی پرسید و گفت: یکی از بستگان من از دخترم خواستگاری کرده است و از جهاتی شایستگی همسری را دارد، ولی بد اخلاق است چه کنم؟ حضرت در پاسخ فرمود: اگر بد اخلاق است به او زن نده.

4. تقوا

همسر مناسب باید باتقوا باشد؛ به اندازه‌ای که از گناهانی مانند زنا و شراب‌خواری دوری کند و به طور علنی و آشکار مرتکب گناه نشود. البته رعایت مراتب والای تقوا بر شأن و ارزش انسان می‌افزاید. این ملاک نیز مطلق محسوب می‌شود و در صورتی که معلوم شود فرد مورد نظر فاقد چنین تقوایی است، برگزیدن او مناسب نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مردان مسلمان با زنانی که بی‌پروا زنا می‌دهند، ازدواج نکنند و همچنین زنان عفیف و مسلمان، مردانی را که علناً زنا می‌کنند، به همسری خود اختیار ننمایند، مگر آنکه معلوم شود توبه کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می‌فرماید: اگر خواستگار اهل شراب‌خواری باشد، به او زن داده نشود.

5. سلامتی

سلامت جسمانی و روانی نیز جزو شرایط لازم یک همسر مناسب به شمار می‌رود؛ بنابراین اگر فرد به بیماری جسمی شدید و بدون علاج یا بیماری روانی شدیدی مبتلا باشد، گزینش او به عنوان همسر، کارکردها و اهداف مورد نظر ازدواج را تأمین نخواهد کرد.

بعضی از مشکلات جسمی و روانی اهمیت چندانی ندارند و لطمه‌ای به زندگی نمی‌زنند و شدید نیستند، اما بعضی از بیماری‌های جسمی و روانی، عمیق و غیرقابل درمان هستند که در طول عمر همراه انسان است و مانع انجام وظایف همسری شده و به زندگی لطمه می‌زنند. اسلام از ازدواج با افرادی که دارای امراض جزام، جنون و برص باشند، نهی فرموده است.

نکته مهم: البته ازدواج‌های ایثارگرانه موضوع دیگری است که در جای خود باید به آن پرداخته شود و چه بسا برخی با ازدواج ایثارگرانه، و گذشتن از یک سری نیازهای زناشویی و همسری، رضایت و خشنودی خداوند را فراهم نموده اند. مثل ازدواج با جانبازان از روی میل و رغبت.

توضیح آن که احساس مسئولیت و روحیه فداکاری افرادی که اقدام به ازدواج با چنین افرادی می‌کنند شایان تقدیر و ستایش است. افزون بر آن، خدمت به یک معلول و به خصوص جانبازان عزیز در پیشگاه الهی پاداشی بزرگ و اجری جزیل دارد. ولی باید توجه داشت ازدواج با یک جانباز شرایطی را می‌طلبد که فقدان هر یک از آنها، پس از چند صباحی، زندگی را به شکست و تلخکامی دائمی یا جدایی رهنمون می‌شود:

اول: شناخت و آگاهی نسبت به ویژگیهای جسمی، روحی و مالی آنها و نیازهای عاطفی و مراقبتی با سطوح مختلف معلولیت و جانبازی.

دوم: انگیزه صحیح. در اینجا باید دو مسئله در نظر گرفته شود:

الف) داوطلب ازدواج باید دور از انگیزه‌های مادی و کاملاً خواستار خدمت به این افراد باشد.

ب) محرک داوطلب، نباید صرفاً عواطف و احساسات باشد؛ زیرا تأثیر و انگیزش آن پس از چند ماهی زندگی کردن، کاسته می‌شود و از طرف دیگر نیازهای روحی، جنسی و... که قبلاً به آنها اهمیت نمی‌داد در

خودش بروز می‌کند و خود را در زندگی ناکام می‌بیند. از این رو درایت و تعقل را باید با عواطف بیامیزد و حساب شده انتخاب کند.

او باید این واقعیت را بپذیرد که شخص معلول شرایط خاص خود را دارد و باید قبلاً آمادگی زندگی با ایشان را داشته باشد و محدودیت‌ها را در نظر بگیرد و تنها بر اساس احساسات و ترحم تصمیم‌گیری ننماید. آنها حتی در امور کوچک خود نیز ممکن است به کمک احتیاج داشته باشند و... لذا همه جوانب قضیه را باید مورد نظر قرار دهد و تصمیم‌گیری کند.

با توجه به مسائل فوق، تذکر و توصیه زیر مهم است: ازدواج با جانبازان مبتلا به بیماری‌های عصبی و روانی و یا قطع نخاعی‌ها برای دختران مناسب نیست؛ زیرا تجربه و آمارهای موجود نشان می‌دهد که ازدواج آنان با زنان بیوه به دلایلی مفیدتر بوده است. البته ازدواج با جانبازانی که از درصد جانبازی بالایی برخوردار نبوده و دارای مشکلات روانی و جنسی و عقیم بودن، نباشند امری پسندیده است و تا حدودی حق جانبازان عزیز را تأمین می‌کند.

• به جز صفات یاد شده، سایر ملاک‌ها نسبی است؛ بدین معنا که باید آنها را با توجه به سایر ملاک‌ها و بود و نبود یا ضعف و قوت آنها در نظر گرفت. علاوه بر آن، گرایش عاطفی به طرف مقابل در زن و مرد در آستانه ازدواج، برای تأمین اهداف مهم ازدواج از جمله حصول محبت و عواطف شدید بین طرفین و حمایت روانی آنها از یکدیگر لازم است.

برخی از موانع فعلی ازدواج:

اشتغال به تحصیل - سطح تحصیلات - مسائل اقتصادی - تفاوت فرهنگی - خدمت سربازی - طلاق والدین - سن ازدواج - سخت‌گیری در معیارهای ظاهری - اختلاف نظرهای سیاسی - مخالفت‌های والدین - سراغ نداشتن فرد مناسب (گویا باید آسمانی باشد!) - ازدواج فامیلی - اعتیاد والدین و...

تسهیل برای برطرف کردن ازدواج:

برای برطرف نمودن مشکلاتی که بیان شد، هم نیازمند راهکارهای دولتی هستیم، هم نیازمند افزایش دانش خانواده برای پدر و مادرها، همدل بودن، همیاری و مساعدت ایشان با فرزندان، و هم نیازمند کاهش توقعات جوانان. اصلاح فرهنگ افراد، جامعه و خانواده می‌تواند راهگشای مشکل و معضل ازدواج باشد. به مشکلات به عنوان یک مسئله بنگریم و مسائل قابل حل هستند.

طرح یک پرسش: آیا دختر می‌تواند از مرد مورد علاقه‌اش خواستگاری کند؟

این مسئله از نظر شرعی منعی ندارد. ولی البته باعث کاهش قدر و منزلت زن می‌شود؛ به ویژه اگر با پاسخ منفی مرد رو به رو شود، روحیه اش شکننده و خردکننده خواهد بود. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «اینکه از قدیم‌الایام، مردان به عنوان خواستگاری نزد زنان می‌رفته‌اند و از آنها تقاضای همسری می‌کرده‌اند از بزرگ‌ترین عوامل حفظ حیثیت و احترام زن بوده است. طبیعت، مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا، آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن. طبیعت زن را گُل، و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. این یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد نیاز و طلب و در غریزه زن ناز و جلوه قرار داده است. خلاف حیثیت و احترام زن است که به دنبال مرد بدود. برای مرد قابل تحمل است که از زنی خواستگاری کند و جواب رد بشنود و آنگاه از زن دیگری خواستگاری کند و جواب رد بشنود تا بالاخره زنی رضایت خود را به همسری با او اعلام کند، اما برای زن که می‌خواهد محبوب و معشوق باشد و از قلب مرد سر در آورد تا بر سراسر وجود او حکومت کند، قابل تحمل و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری برود.

به عقیده «ویلیام جیمز» فیلسوف معروف امریکائی: حیا و خودداری ظریفانه زن، غریزه نیست، بلکه دختران حوا در طول تاریخ دریافتند که عزت و احترامشان به این است که به دنبال مردان نروند، خود را مبتذل نکنند و از دسترس مرد خود را دور نگهدارند، زنان این درس‌ها را در طول تاریخ دریافتند و به دختران خود یاد دادند. اختصاص به جنس بشر ندارد، حیوانات دیگر نیز همینطورند، همواره این مأموریت به جنس نر داده شده است که خود را دل‌باخته و نیازمند به جنس ماده نشان بدهد. مأموریتی که به جنس ماده داده شده این است که با پرداختن به زیبایی و لطف و با خودداری و استغناء ظریفانه، دل جنس خشن را هرچه بیشتر شکار کند و او را از مجرای حساس قلب خودش و به اراده و اختیار خودش در خدمت خود بگمارد. از این رو رسم خواستگاری از طرف مرد، یک تدبیر ظریفانه و عاقلانه برای حفظ حیثیت و احترام زن

اصول اخلاقی و اسلامی در روابط بین اعضای خانواده و ماهیت جمعی خانواده:

اصل: قاعده، باید، بایستگی، مبنا، قانون

1- اصل مکمل بودن. قرآن می فرماید: زنان لباس شما و شما لباس آنها بپوشید. لباس دو ویژگی مهم دارد دارد: اول آن که در برابر سرما و گرما و نا ملایمت محافظت می کند: اول آن که در برابر سرما و گرما و نا ملایمت محافظت می کند. دوم آن که زینت بخش و زیبایی بخش آدمی است، زن وشوهر باید این چنین باشند و یکدیگر را تکمیل نمایند و زندگی را زیبا کنند.

2- اصل تعاون: بر اساس آیات قرآن، ما انسان ها باید در نیکوکاری ها و پرهیزکاری ها یاور یکدیگر باشیم، نه آن در گناه کردن به همدیگر کمک کنیم. خانواده هم باید چنین باشند.

3- اصل مودت (دوستی): خداوند در قرآن فرموده که بین دو زوج مودت و محبت ایجاد کرده است. از طرفی دیگر انسان با ازدواج حس خود خواهی و خودشیفتگی اش به احساس دگرخواهی و دیگر دوستی تبدیل می شود.

مودت، در نگاه اجمالی همان محبت است، ولی محبتی که ابراز شده است. مودت همان رفتار محبت آمیز است. تفاوت های دیگری که بین این دو واژه وجود دارد، بدین صورت است که مودت دوست داشتن دائمی است ولی محبت محدوده زمانی دارد. / مودت خیانت ندارد، ولی محبت خیانت دارد. / مودت تنوع گرایی ندارد اما محبت تنها، تنوع گرایی دارد. / مودت، زمان و مکان و فاصله نمی شناسد ولی محبت با فاصله ها از بین می رود. / مودت محبتی است که در آن، دو طرف با هم تعالی و رشد پیدا می کنند. / در مودت، دلبستگی وجود دارد که سرچشمه آن عشق است ولی در محبت های معمولی وابستگی وجود دارد. / مودت دو طرفه است ولی محبت می تواند یک طرفه باشد.

4- اصل معاشرت به معروف: براساس قرآن آقایان باید با همسران خویش رفتار شایسته داشته باشند. این اصل مربوط به بانوان نیز می باشد. اصل در زندگی مشترک، رفتار نیکوست.

5- اصل قداست: عقد نکاح به روابط زوج و زوجه قداست می بخشد. برخلاف روابط دوستی دختر و پسر که مقدس نیست.

6- اصل استحکام: اصل در تشکیل خانواده بر بقا و استحکام زندگی است. اسلام در موارد بسیار اندک به طلاق و فروپاشی خانواده حکم داده است.

7- اصل وحدت: وحدت درد دین شرط شروع زندگی و ادامه زندگی است.

قوانین حقوقی و مدنی در این زمینه سر کلاس مطرح شده است. مثلا اگر یکی از زن و شوهر از اسلام خارج شود، ازدواج فسخ می شود.

8- اصل مراعات حریم خصوصی: هرکسی حریم خصوصی دارد. باید حریم خصوصی افراد مانند سایر حرمت ها محفوظ بماند.

9- اصل رعایت مصالح کودک: والدین مسئول به دنیا آوردن کودک مشروع، و مسئول تربیت صحیح او هستند و در قبال سقط جنین مسئولند.

10- اصل حمایت: اعضای خانواده در قبال یکدیگر، حامی یکدیگر باشند.

تناسب حق و تکلیف:

براساس آموزه های دینی هر جا بحث از حق مطرح می شود، تکلیف و مسئولیت هم به تناسب وجود دارد. کانون خانواده هم چنین است که حق ها و مسئولیت به طور مساوی وجود دارد. بنابراین کسی نمی تواند فقط به دنبال حقوق خویش باشد، اما مسئولیت هایش را فراموش کند. مثلا اگر زوج مسئولیتهایی نسبت به زوجه دارد، در همان موارد، حقوقی هم دارد. اگر والدین حقوقی نسبت به فرزندان دارند، در همان موارد، وظایفی هم برایشان وجود دارد. اگر حق احترام وجود دارد، وظیفه احترام هم هست.

حقوق اقتصادی زوجین درون و بیرون خانواده:

الف: آزادی اقتصادی درون خانواده (بحث مالکیت انسان)

انسان در هر سنی صلاحیت حق و تمتع (بهره مندی) از اموال را دارد و مالک اموال خویش است. البته با شرایطی حق تصرف در اموال را دارد. البته موارد زیر جزو شرایط حق تصرف در اموال است: بلوغ- عقل- رشد

نکته: آن قدر آزادی اقتصادی درون خانواده زیاد است که ربا (با وجود تاکید بر حرام بودن) بین زن و شوهر و بین پدر و پسر حرام نیست.

ب: آزادی اقتصادی در بیرون خانواده (بحث شغل)

مرد و زن می توانند برای خود شغل مناسب اختیار کنند. البته مشاغل سخت برای بانوان خطرناک است. در شرایط مساوی و مناسب، حقوق زن و مرد یکسان است

نکته: شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند. ماده 117 قانون مدنی

در صورت اختلاف، به دادرس مراجعه می شود و دادرس بر اساس عرف جامعه حکم می کند.

حقوق و تکالیف غیر مالی زوجین:

حسن معاشرت و خوش رفتاری ، اسکان مشترک و زیر یک سقف بودن ، وفاداری ، مشارکت و همکاری در امور خانواده ، حضانت (نگهداری) و تربیت فرزندان .

مسئولیت های مالی مردان در قبال خانواده:

(نفقه - مهریه - ارث)

1. نفقه : نفقه یعنی انفاق و کمک به زوجه و فرزندان و والدین.

از آنجا که مردان به خاطر جهاتی عهده دار امور زنان و سرپرست ایشان هستند، تعهداتی نیز دارند. یکی از آن تعهدات، پرداخت نفقه است؛ اموری نظیر مسکن، پوشاک، غذا، اثاث منزل، هزینه های درمانی، بهداشتی و ... جزوه نفقه همسر است. البته اگر زن ناشزه باشد و نسبت به وظایف همسری اش امتناع کند و نیازهای جنسی مرد را برآورده نسازد، مستحق نفقه نیست. این مورد نفقه زوجه است. اما نفقه دیگر، نفقه اقارب است که به والدین ناتوان و فرزندان غیر رشیده تعلق می گیرد. پدر و مادر باید در حال پیری از طرف فرزندانشان تأمین مالی شوند که با دو شرط نفقه بر انسان نسبت به والدینش واجب است: توانایی مالی فرزند و ناتوانی پدر و مادر. هم چنین انسان باید به فرزندانش تا زمان رشید شدن و کسب درآمد نفقه بپردازد.

سه مورد از کارکردهای نفقه:

الف: ایجاد همبستگی میان زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده.

ب: نشان دهنده علاقمندی و مسئولیت شناسی مرد نسبت به خانواده.

ج: اثبات تلاش مرد برای حفاظت و آسایش خانواده

پرسش: چه چیزهایی سبب ناشزه بودن زن می گردد؟

- تحت فشار قرار دادن شوهر برای ارضای خواسته های تجمل گرایانه، و گرفتن امتیازات اقتصادی و ولخرجی و...
- میل به تفریحات افراطی
- میل به فرمانروایی بر شوهر و فرزندان
- خستگی جسمی و روانی و افسردگی و فشارهای ناشی از کار خانه یا کار بیرون.

پرسش: مرد در کجا می تواند نفقه را پرداخت نکند؟

- عدم تمکین جنسی توسط همسر
 - همراه نبودن با شوهر در محل اقامت و مسکن « مگر این که شرط ضمن عقد باشد»
 - ترک منزل بدون اجازه شوهر
 - سوء رفتار و یا انتخاب شغلی مغایر با شئوون اخلاقی و مصالح خانوادگی
2. مهریه: مهریه، عطیه، هدیه و بخششی است که مرد در هنگام ازدواج تضمین می کند به همسرش بپردازد که اگر قصد پرداخت نداشته باشد، انگار زندگی زناشویی تشکیل نداده و پیوسته در حال عمل زنا می باشد!

قرآن، مهریه را به صدق تعبیر نموده است و صدق از صدق و راستی و درستی است که نشانه عشق حقیقی مرد به همسرش است. بنا براین مهریه ای که زیاد و خارج از توان مرد باشد صدق نیست و از روی علاقه نخواهد بود. پس چرا از اول زندگی بدون صداقت و علاقه باشد؟

انواع مهریه از حیث زمان تعیین مهریه

در یک تقسیم بندی، مهریه سه گونه است:

1. مهر المسمی: عبارت از میزان مالی است که به عنوان مهر در عقد نکاح ذکر می شود و مورد توافق زوجین است. به عبارت دیگر مهریه ای که زن و شوهر قبل از انعقاد عقد نسبت به مقدار آن توافق می نمایند و آن را در عقد ذکر می کنند. (اکثر ازدواج های جامعه این گونه است).

2. مهر المثل: اگر در زمان انعقاد عقد، راجع به مهریه توافق نشده باشد ولی عمل زناشویی رخ داده باشد، در این حالت بر اساس عرف و عادت و با توجه به وضع زن (از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات، موقعیت خانوادگی و اجتماعی و مقتضیات زمان و مکان) مهریه تعیین می‌گردد.
3. مهر المتعه: مانند مهر المثل، نکاح صورت گرفته، ولی مهریه ذکر نشده است، در عین حال قبل از دخول زوج و زوجه از هم جدا می‌شوند. در این صورت بر اساس شرایط و وضعیت مرد، مهریه تعیین می‌گردد.

شرایط مهریه:

1. مهریه باید ارزش مالی داشته باشد.
 2. از نظر شرعی و قانونی، قابل نقل و انتقال و تملک باشد. بنابراین تعیین مشروبات الکلی صحیح نیست.
 3. مشخص باشد
 4. دارای منفعت عقلایی و شرعی باشد.
 5. شوهر قدرت تسلیم مهریه را داشته باشد.
 6. آموزش باشد. مثل آموزش قرآن و یک هنر و...
- نکته: زوج مالی را می‌تواند مهر قرار دهد که خود مالک آن باشد بنابراین اموال عمومی یا مال موقوفه را نمی‌توان مهر قرار داد.
- نکته: تأکید می‌شود ضرورتی ندارد که مهر حتماً عین معین باشد، بلکه انجام عمل یا حرفه آموزشی یا تدریس هم می‌تواند مهریه باشد مثل آموختن قرآن به زوجه، یا آموختن رایانه به زوجه می‌تواند موضوع مهر باشد.

انواع مهریه از حیث مطالبه و پرداخت:

1. مهریه عندالمطالبه 2. مهریه عندالاستطاعه:
- هرگاه برای پرداخت مهریه، زمان و اجل معین نشده باشد، مهریه‌ی عندالمطالبه است. در این صورت به محض عقد، زن مالک مهر است و هر زمان که بخواهد می‌تواند مهریه‌ی خود را مطالبه کند.

اما در مهریه عندالاستطاعه، زمان پرداخت مهریه، زمانی است که زوج، توانایی و استطاعت پرداخت را داشته باشد، پس پرداخت آن منوط به استطاعت، زوج است.

ارث: البته این مورد مخصوص آقایان نیست و فقط خانم ها از آقایان ارث نمی برند، بلکه آقایان هم از خانم ها ارث می برند. براساس آیات قرآن، سهم ارث زن، نصف ارث مرد است؛ چرا که دو منبع مالی دیگر یعنی نفقه و مهریه، کمبود ناشی از ارث را جبران می کند.

سه عامل رشد فضایل اخلاقی و معنوی در خانواده:

1. توجه به حضور خداوند در زندگی: اگر اعضای خانواده باور داشته باشند خداوند همیشه حاضر و ناظر است، از رفتارهای ناروا خودداری می کنند و در ناملایمات و مشکلات هم ناامید نمی شوند.
2. شناخت معصومین و عمل به سیره زندگی ایشان: از آنجا که انسان در تمام امور زندگی خویش به دنبال الگو برداری است و معصومین (علیهم السلام) بهترین انسان ها هستند، باید آنها را به درستی شناخت و البته مانند ایشان رفتار نمود.
- به عنوان مثال آن بزرگواران در مواجهه با زیبایی ها، شکرگزار خداوند بودند و در مقابل تلخی ها، مصائب و مشکلات زندگی، بازم صبور و شکرگزار خداوند بودند.
3. شناخت رذایل و فضایل اخلاقی: اعضا خانواده ابتدا باید فضایل و رذایل اخلاقی را بشناسند تا سپس به فضایل آراسته گردند. موارد زیر در این امر کمک می کند: شرکت دسته جمعی خانواده در مراسم مذهبی و دعاها، مطالعه دسته جمعی اعضای خانواده در امور اخلاقی، بازگویی مطالب اخلاقی و معنوی در منزل، ایجاد ارتباط بیشتر با خانواده و بستگان مذهبی تر.

عوامل استحکام خانواده:

دین داری، همدلی، ارضای نیازهای جنسی، مدیریت اقتصادی، محبت به اعضای خانواده، متعادل نمودن انتظارات و توقعات، مشورت، رازداری، عفو و گذشت، توجه به ویژگی های مردان و زنان (به خصوص توجه به تفاوت های مردان و بانوان

چگونه دین داری باعث تحکیم خانواده می شود؟

- 1- ایمان به خدا و دین داری ، زندگی هارا معنی دار می کند و باعث کاهش رنج ها می شود.
- 2- دین داری موجب تقویت بردباری است و بردباری اعضای خانواده باعث سعادت خانوادگی است.
- 3- دین داری پیوسته مراقب خشنودی خداست .یکی از مواردی خشنودی خدا، خوش رفتاری با اعضای خانواده است.
- 4- دین بر رعایت فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی تاکید می کند، وکسی که به صفات اخلاقی آراسته گردد، محبوب سایر اعضای خانواده می شود .
- 5- دین داری،خلاقیت در پی دارد . خلاقیت؛یعنی توان انطباق با محیط های گوناگون .دین به این امر کمک می کند و می گوید شکست برایت معنا ندارد. نا امید نشو . اگر از رحمت من نا احممید شوی، گناه کرده ای. انسان ها چنین خلاق می شوند و آدم خلاق با هر وضعیت خانواده راضی است.

خوش اخلاقی و استحکام خانواده:

خوش اخلاقی، نقش مهمی در تحکیم پایه های زندگی دارد که از رهگذر (تمرین، تکرار، عادت) می توان به آن دست یافت:

تمرین بر خوش اخلاقی ، یگانه راه رسیدن به خوش اخلاقی است . حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید : نفست را به انجام اعمال پسندیده عادت بده .(عود نفسک فعل المکارم) تمرین و تکرار نسبت به یک خصلت زیبا یا زشت ، آن را به صورت عادت یا به صورت طبیعت دوم انسان در می آورد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند (العاده طبع ثان) عادت ، طبیعت دوم است.

وقتی چیزی به صورت عادت در آمد، به تدریج و به مرور ، اعضا و جوارح انسان را کنترل می کند و بر وجود او مسلط می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید : (العاده علی کل انسان سلطان) عادت بر هر انسانی حکومت می کند. زن و شوهر از همان ابتدای زندگی سعی و تلاش کنند تا به صورت مشترک بر عادت ها و اخلاق نیکو تمرین و مداومت کنند .

تفاوت ویژگی های مردان و بانوان:

توجه زوج و زوجه به تفاوت های یکدیگر تا اندازه زیادی سبب می شود تا کانون خانواده را گرم تر نگه دارند و از اختلاف ها بپرهیزند: تفاوت های بدنی و جسمانی و فیزیولوژی، تفاوت های روانی و احساسی و عاطفی، تفاوت های شهوانی.

الف: برخی از تفاوت های بدنی مرد و زن:

۱. رشد بدنی زن سریع تر از بدن مرد
۲. رشد عضلانی مرد سریع تر و در نتیجه نیروی بدنی قوی تر
۳. مقاومت بانوان در برابر بیماری ها بیشتر
۴. قلب مردان بزرگ تر و پمپاژ خون بیشتر
۵. ضربان قلب زنان بیشتر
۶. استخوان بندی مرد سنگین تر
۷. انعطاف پذیری بدن بانوان بیشتر
۸. استفاده از قوه بینایی و شنوایی در زنان حساس تر و...

ب: برخی تفاوت های روانی و عاطفی و احساسی مردان و بانوان

1. مرد: کلی نگر، زن: جزئی نگر
2. مرد، مایل به ریاست، زن، مایل به مراقبت و محافظت
3. مرد، غالباً استدلالی، زن غالباً تخیلی
4. مرد ریاست بر بدن (تصاحب)، زن ریاست بر قلب (تسخیر دل)
5. مرد، خواهان است و زن، خواسته
6. میل مرد به کارهای پر تحرک (غوغاگری مرد و آرامی زن)

7. زن سریع تر هیجانی می شود.
8. احساسات مرد ثبات بیشتری دارد.
9. احتیاط زن بیشتر است.
10. بانوان تشریفاتی ترند (تشریفات با تجملات فرق دارد).

ج: برخی تفاوت های شهوانی در مردان و بانوان

1. مرد، بنده شهوت خویشتن است و زن در بند محبت مرد
2. مردان نسبت به محرک های جنسی سریع تر واکنش نشان می دهند. مردان به سرعت به اوج جنسی می رسند، زنان به تدریج. (میل جنسی مردان مانند مایکروویو است. میل جنسی زنان مانند اجاق الکتریکی)
3. مردان به سرعت شهوتشان دفع می گردد.
4. مردان نیازمند شدت هیجانات جنسی همسر هستند و گرنه کم کم احساس رضایت از بین می رود.
5. توان آمیزشی در مرد با انزال پایان می یابد، ولی در زن می تواند بارها ادامه یابد.
6. میل جنسی زن به طور قابل توجهی تحت تأثیر اتفاقات زندگی اش است. اگر از شغل خود نفرت داشته باشید، اگر پروژه سنگینی در کار به عهده اش گذاشته شود، اگر قسط خانه اش دو برابر شود، اگر بچه ها مریض باشند، و.. رابطه جنسی برایش مفهومی نخواهد داشت. بر خلاف مرد که اگر همین مسائل برای او اتفاق بیفتد، مرد رابطه ی جنسی را قرص خواب قلمداد خواهد کرد و آن را نوعی وسیله ی رهایی از فشارهایی که در طول روز روی هم تلمبار شده خواهد دانست. بنابراین در پایان روز چنین تمایلی از جانب او برای زن سنگین و غیر قابل فهم است. زن او را انسان بدون احساس خواهد نامید و مرد هم زن را سردمزاج خواهد خواند! ولی اگر به این تفاوت توجه شود، تفاهم ایجاد خواهد شد.

7. توان باروری مرد بسیار بیشتر از زن است و تا 80 سال هم ادامه خواهد داشت ولی توان باروری زنان بین 50 تا 60 سال است.

8. هورمون جنسی مرد (تستسترون) در سراسر عمر مرد در بیض ها فعال است و به او حالت تهاجمی می دهد. تستسترون، هورمون موفقیت، دستاورد و رقابت است و اگر از آن استفاده بدی شود، مرد و حیوانات نر را عملاً خطرناک می کند.

هورمون جنسی زن (پروژستون و استروژن): رشد و توسعه دستگاه تولید مثلی زن و ایجاد صفات زنانه یعنی مثلاً بزرگ شدن سینه ها در جنس مونث و داشتن صدای ظریف زنانه می شوند. باعث نرمی و لطافت پوست می شوند، بعد از یائسگی تقریباً هیچ استروژنی در بدن تولید نمی شود. استروژن در دوران بارداری نیز نقش های مهمی در بدن زن ایفا می کند که همگی آن ها در راستای آماده سازی بدن مادر برای پذیرش نوزاد هستند. این هورمون در دوران حاملگی از جفت نیز ترشح می شود و باعث بزرگ شدن رحم و سینه ها و رشد مجاری شیری در آنها می شود. این هورمون ها باعث زیباتر شدن زنان می شوند. ایجاد صلح و صفا و صمیمیت در زنان.

کارکردهای خانواده:

تنظیم نیازهای جنسی، تأمین نیازهای عاطفی، تولید مثل، انتقال تجربه، حمایت و مراقبت، جامعه پذیری، مسئولیت پذیری، عطوفت و آرامش روانی، تأمین پایگاه اجتماعی، رشد و تربیت و کمال، کارکردهای اقتصادی و...

طرح پرسش: چگونه کارکرد های خانواده تقویت می شود؟

کارکرد ها و فواید آثار خانوادگی مثل رفتار جنسی و ارضای نیاز های عاطفی . بقای نسل و تربیت فرزند با موارد زیر تقویت می شود :

- 1- مرزهای نگاه به نامحرم و ارتباطات کلامی با نامحرم حفظ شود تا دیگران را با همسرش مقایسه نکند.
- 2- تأمین نیاز های عاطفی همسران، فرزندان و والدین :هرچه هم گرایی و هماهنگی و یکدستی بین اعضای خانواده بیشتر گردد و فاصله عاطفی به وجود نیاید ، خانواده استحکام و تقویت بیشتر می یابد.
- 3- فرزند آوری هم موجب تقویت کارکردهای خانواده می شود .

کسانی که توانایی جسمی فرزندآوری را دارند، نباید به تفکرات باطلی گوش بدهند که می گوید : فرزندآوری ، مانع آسایش است و یا هزینه هایش سرسام آور است . این افکار باطل است و بلکه بر عکس، فرزند موجب دلگرمی اعضای خانواده و سرمایه گذاری برای دوران پیری خواهد بود .

4- اگر مسائل تربیتی و اخلاقی در خانواده تقویت شود ، کارکردهای خانواده هم استحکام می یابد.

مرور برخی مشکلات خانواده های معاصر که ناشی از تغییرات جهانی است:

افزایش سن ازدواج - افزایش اختلاف های خانوادگی - ضعف در کارآمدی خانواده ها

1. افزایش سن ازدواج که یکی از مشکلات جوامع امروزی و خانواده های معاصر است . علت افزایش

سن ازدواج همان طراحی و برنامه ریزی هدف دار سردمداران غرب و متفکران مادی است که زندگی مدرن را دچار تغییر و تحول نموده اند و این تغییرات باعث تغییر نگرش ها شده است. یکی از نگرش ها که تغییر نموده همان انگیزه ازدواج است .

سکولار شدن مردم یعنی جدا نمودن دین از عرصه زندگی مردم را به دو گونه انجام می دهند:

سکولاریزم: تغییر سبک زندگی با فرایند از تفکر به عمل: ویژه اندیشمندان و دانشجویان و اهل دانش

سکولاریزاسیون: تغییر سبک زندگی با فرایند از عمل و قالب وارداتی به تغییر تفکر: ویژه توده مردم.

2. افزایش اختلاف های خانوادگی که در بیشتر موارد ، اختلاف ها به طلاق می انجامد.

-ارتباطات جهانی باعث شده که اعضای خانواده حوصله یکدیگر را نداشته باشند .(ماهواره و اینترنت و موبایل و)

-ارتباطات جهانی و دیدن فیلم های مستهجن باعث شده رضایت زناشویی کاهش یابد .

-ارتباطات باعث شده فرزندان خود را آنلاین و به روز بدانند و والدین خود را آفلاین و خارج از مسائل روز تلقی کنند. همین مسئله به ظاهر ساده سبب اختلاف شده است .

3. ضعف در کار آمدی خانواده ها: ارتباطات جهانی و پذیرش زندگی مدرن، کارآمدی و کارکردهای خانواده را دچار مشکل کرده است. کارکردهایی مثل تنظیم رفتار جنسی ، ارضای نیاز های عاطفی، تولید

مثل، حس مراقبت و حمایت توسط خانواده، آرامش روانی، جامعه پذیری و مسئولیت پذیری. ارتباطات جهانی همه این موارد را دچار آسیب نموده است.

طرح سوال: چرا سن ازدواج افزایش پیدا کرده است؟

از آنجا که طراحان مادی گرای غرب، شیوه های زندگی کردن مدرن را تغییر داده اند، همین امر باعث تغییر نگرش های مردم در سطح جهان شده است. تغییر نگرش ها و تبدیل آن ها به امور مادی گرایی، باعث شده انگیزه های ازدواج کاهش یا بد و سن ازدواج افزایش پیدا کند. مادی گرایان زندگی مدرن را تغییر داده اند، نگرش ها مادی شده، انگیزه های ازدواج کاهش یافته، در نتیجه سن ازدواج بالا رفته است.

تغییر سبک زندگی مدرن ← تغییر نگرش ← کاهش انگیزه ازدواج ← افزایش سن ازدواج

برخی مسایل و تغییرات در زندگی معاصر غربی:

گسترش روابط جنسی لذت گرا، کاهش تعداد افراد خانواده و هسته ای شدن آن، کاهش نقش و اقتدار دین در شکل گیری خانواده، افزایش آمار سالمندان تنها، افزایش چشمگیر طلاق و عادی شدن آن، گسترش و از بین رفتن قبح همجنس بازی، افزایش میزان والدین مجرد و...

نکته: غرب در هر چیزی به عملکرد خود افتخار می کند و جوامع دیگر را به خاطر پیشرفت هایش تحقیر می کند و عقب مانده و جهان سوم می نامد، اما با این وجود از طرح مباحث کانون خانواده گریزان است؛ زیرا سیاست های تمدن غرب و زندگی مدرن آنها کانون خانواده را ویران و متلاشی نموده است.

عوامل تضعیف خانواده: 1. عوامل شناختی، 2. عوامل رفتاری

عوامل شناختی تضعیف خانواده:

الف: فقدان اطلاعات موردنیاز

بسیاری از افراد متأهل با وجود تمایل زیاد به داشتن زندگی مطلوب از آرامش ازدواج محروم اند که به دلیل جهل و فقر اطلاعاتی نسبت به مسائل خانواده است.

ب: انحرافات شناختی: برخی افراد با آن که به گمان خویش اطلاعات مربوط به مسائل خانواده دارند، ولی اطلاعاتشان نادرست است.

برخی از انحرافات شناختی که باعث تضعیف خانواده می شود، عبارتند از:

1- نسبی گرایی در ارزشهای اخلاقی خانوادگی

نسبی گرایان اخلاقی معتقدند که هیچ ارزش ثابتی وجود ندارد و امور اخلاقی بر سلیقه شخصی مردم استوار هستند و سلیق مردم هم متفاوت هستند. بنابراین اگر یک چیزی در جایی خوبی تلقی می شود، در جای دیگر بدی تلقی می گردد. اگر این تفکر باطل نسبی گرایی در کانون خانواده وارد شود، روابط اعضای خانواده را متلاشی می کند و روح جمعی خانواده ها را نابود می نماید.

2- اولویت حقوق نسبت به تکالیف:

(توضیح شبهه و انحراف شناختی اولویت حق نسبت به تکالیف):

در این بحث، دو کلید واژه وجود دارد: حق خواهی (مطالبه حق)، تکلیف مداری (انجام تکالیف)

دنیای امروزی می گوید: این تفکر که تکلیف ها را باید انجام داد، کهنه و فرسوده شده و انسان های امروزی باید به دنبال رسیدن به حق خویشان باشند. این تفکر باعث شده مردم پیوسته به دنبال مطالبه حقوق خویشان باشند، در نتیجه از انجام تکالیف خویش فراموش خواهند کرد و در نتیجه فرد گرایی و مسئولیت گریزی رواج می یابد و حتی ممکن است نسبت به حقوق دیگران بی اعتنا و بی توجه گردند. این عارضه فرد محوری و خود گروهی به درون خانواده ها هم کشیده شده و موجب می گردد بین اعضای خانواده هم مشاجره و نزاع های لفظی افزایش می یابد و گلستان خانواده به جهنم دعوا تبدیل می گردد.

3- اعتقاد به خرافات: گاهی برای ایجاد صمیمیت بین همسران و حل اختلافات خانوادگی دست به دامان

سحر و جادو و فال می شوند که باطل است. بهترین سحر، سحر محبت است.

ج: ضعف سواد رسانه ای: اگر چه رسانه ها گسترده و اطلاعاتشان متنوع است، ولی به علت عدم پالایش و گزینش نادرست، عوارض منفی بسیاری بر اعضای خانواده می گذارد.

د: بدگمانی و سوء ظن به خانواده: بدگمانی یک نگرش منفی است نسبت به افکار، گفتار و کردار همسر بدگمانی از طرف همسر، فشار روانی در طرف مقابل ایجاد خواهد کرد، در نتیجه احساس بیگانگی می نماید.

عوامل رفتاری تضعیف خانواده: 1- خودبرتربینی یا خود محوری (تکبر) 2- ارتباط کلامی نامناسب 3- عدم ارضای نیازهای جنسی 4- رفتارهای اقتصادی نامناسب 5- اعتیاد.

راه های ایمن سازی خانواده از آسیب ها:

1. آموزش همسران و آشناسازی با وظایف و حقوق و عوامل موثر در استحکام و تزلزل خانواده و روش حل مشکلات
2. ارزیابی مستمر روابط خانوادگی
3. پرهیز از بدگمانی به همسر
4. مواجهه صحیح با عیوب همسر
5. مدیریت خشم و غضب

طرح پرسش: در مواجهه با خشم یکی از اعضای خانواده ، علل خشم او را تحلیل کنید؟

الف: یا جسمانی بوده: مثلاً بی خواب شده یا کم خوابیده ، یا دارو مصرف می کند یا خسته است.

ب: یا دلیل روحی - روانی دارد: مثلاً احساس ناامیدی یا ناامنی می کند.

ج: یا رفتار طرف مقابل باعث عصبانیت او شده است : مثلاً مرد رفتار غلط و حرام نگاه به نامحرم را مرتکب شده و همسرش این وضعیت را مشاهده نموده، از این رو همسر عصبانی و خشمگین است. (علت خشم زن ؛ رفتار غلط و حرام همسر)

در مجموع اگر خشم علت یابی شود آن گاه درمان آن آسان تر است .

6. کسب مهارت حل مساله (تبدیل مشکل به مساله ← تعیین و تشخیص نیازها و اولویت ها ← بارش راه حل (تفکر - مشورت - مطالعه) ← ارزیابی راه حلها بر اساس امکانات موجود - پیامدها - موثر بودن - و زمان در دسترس.

راه حل مواجهه با مشکلات زندگی چیست؟

نباید مشکلات را اموری غیر قابل حل دید. بلکه باید به آنها به عنوان مسئله نگاه کرد. مسائل قابل حل هستند. نگاه مسئله محور به مشکلات باعث می شود، زندگی ها به بحران تبدیل نشود.

فروپاشی خانواده:

فروپاشی خانواده، جدای از بحث مرگ یکی از زوجین، به دو صورت اتفاق می افتد: طلاق، فسخ نکاح

1. فسخ نکاح:

فسخ به معنای اختیار به هم زدن عقد است. در فسخ نکاح مقدمات طلاق و نیز وقوع صیغه طلاق لازم نیست، هر چند مطابق قانون، طرفین باید به دادگاه مراجعه و فسخ نکاح را ثبت کنند. حق فسخ نکاح یا به دلیل عیوبی که در زن و مرد قبل از عقد وجود دارد و به دلیل فریب در نکاح تحقق می یابد، و یا به خاطر تخلف از وصف مقصود است؛ یعنی شرط ضمن عقد صورت گرفته و قبلاً صفتی شرط شده که هنگام عقد چنین نباشد مثلاً متاهل نباشد.

عیوب فسخ نکاح:

الف: عیوب مشترک در مرد و زن که موجب فسخ می شود:

جنون: ماده 1121 / ماده 1125

ب: عیوب مختص مرد: که مانع ایفای وظیفه زناشویی است.

عن (عدم توانایی مقاربت در مرد، سستی کمر)، خصی (اخته شده)، مقطوع بودن آلت تناسلی.

برخی فقهای قدیم: جذام، برص، نابینایی مرد برای زند حق فسخ می آورد. قوانین امروزی: خیر

ج: عیوب مختص زن: قرن (استخوان اضافه ای که جلو آلت تناسلی برخی زنان است)، جذام (خوره: گوشت

قطعه قطعه می شود و می ریزد)، برص (پسی با خارش دردناک)، افضاء (یکی شدن مجرای بول و غایط یا

یکی شدن مجرای بول و حیض)، زمین گیری (اقعاد)، نابینایی هر دو چشم

نکته: آیت الله مکارم: اگر عیوب سریع و با هزینه خود طرف قابل درمان باشد، حق فسخ نیست.

نکته: صرع و غش کردن جزو موارد فسخ نیست.

نکته مهم: اگر چه در این موارد، طرف فریب خورده می تواند فسخ نماید، ولی این حق را هم داراست که به زندگی خویش ادامه بدهد.

2. طلاق:

طلاق یعنی جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی که ممکن است به درخواست مرد یا زن باشد. این درخواست به دادگاه خانواده ارائه می شود و دادگاه به درخواست مرد پس از تحقیق و رعایت شرایط قانونی رسیدگی می کند. همچنین با توجه به ماده 1119 قانون مدنی، به درخواست طلاق از سوی زن در صورت وجود شرایط قانونی رسیدگی می شود.

انواع طلاق:

1. طلاق رجعی: آن است که بعد از طلاق تا مدت معینی که زن در عده است (یعنی مدت سه ماه)

مرد می تواند به او رجوع کند و بدون خواندن عقد مجدد، او را به همسری قبول نماید. در ماده 1148 قانون مدنی نیز آمده است: در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.

2. طلاق بائن: آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد بدون خواندن عقد نکاح جدید به آن زن

مراجعه کند. در توضیحی بیشتر باید گفت طلاق بائن در مقابل رجعی قرار دارد؛ یعنی در زمان عده زوج حق رجوع به زوجه را ندارد، و چنانچه خواستار زندگی مجدد با زوجه مطلقه اش باشد، باید تا انقضای مدت عده صبر کند و بعد از آن با عقد نکاح مجدد، او را به همسری درآورد. بائن از بیونیت به معنی جدائی است و اینگونه طلاق را از آن رو بائن گفته اند که در آن حق رجوع برای شوهر شناخته نشده است و با وقوع طلاق رابطه نکاح به طور قطعی منحل می شود. در ماده 1144 قانون مدنی نیز به این مطلب چنین اشاره می شود: در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.

3. طلاق خُلع: مرد امکان رجوع به زن ندارد و زن می تواند نسبت به بخشی از مهریه یا تمام مهریه چشم پوشی کند . (در واقع زن حاضر به زندگی با شوهرش نیست و با بخشیدن مهریه ، تقاضای طلاق می کند)

ماده «1146» قانون مدنی می گوید: طلاق خلع آنست که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد، در مقابل مالی که به شوهر می دهد طلاق بگیرد، اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.

4. طلاق مُبارات: این نوع طلاق هنگامی رخ می دهد که زن و شوهر، یکدیگر را دوست نداشته باشند و زن مالی به شوهرش ببخشد تا شوهرش او را طلاق دهد که البته این مال بیش تر از مقدار مهر نباشد و احتیاط این است که کم تر باشد. طلاق مبارات از این جهت با طلاق خُلع متفاوت است که طلاق خُلع بدین صورت است که چون زن از شوهرش متنفر باشد ، مهریه یا مال دیگری را، گرچه بیش تر از مهر باشد، به شوهرش می بخشد تا طلاقش دهد.

فسخ نکاح با طلاق چه تفاوتی دارد ؟

فسخ نکاح یعنی اختیار بهم زدن عقد . در فسخ نکاح که به علت آشکار شدن عیوب و یا فریب کاری حاصل شده ، مقدمات طلاق و صیغه طلاق لازم نیست. ولی در طلاق ، یکی از زوجین به دادگاه درخواست می دهد و اگر شرایط طلاق فراهم باشد با خواندن صیغه طلاق آنها از یکدیگر جدا می شوند .

علل و عوامل افزایش طلاق در کشور ایران :

1-عوامل فرهنگی اجتماعی ؛ مثل شیوه نادرست همسر ، آگاهی اندک قبل از ازدواج ، توقع بالای زوجین از یکدیگر .

2-عوامل اقتصادی: مثل عدم پرداخت نفقه ، توقعات بالای اقتصادی ، میزان اشتغال زن در خارج از خانواده

3-عوامل اخلاقی : مثل رفتارهای ناپسند از یکی از طرفین ، فساد اخلاقی ، اعتیاد- شراب خواری و ...

4-عوامل روان شناختی : مثل بدبینی زیاد نسبت به یکدیگر ، باور های غیر منطقی .

5- عوامل جنسی : مثل ناتوانی جنسی زن یا مرد ، عادات ناپسند جنسی در مردان ، عدم تمکین زن ، تنوع طلبی جنسی ، عقیم بودن زن یا مرد.

برخی از پیامدهای اجتماعی طلاق:

1. طلاق تعادل انسان هارا برهم می زند و موجب کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی می شود.
2. این پدیده به لحاظ کمی و کیفی بر ساخت جمعیت اثر می نهد زیرا تنها واحد مشروع و اساسی تولید مثل خانواده است که با وقوع طلاق از هم می پاشد.
3. طلاق موجب می شود تعادل روحی نیروی انسانی در تولید و خدمات برهم خورد و بدین ترتیب آثار سهمگین در حیات اقتصادی جامعه ایجاد گردد.
4. هیچ گاه مطالعه آسیب شناسی اجتماعی و انحرافات اجتماعی بدون توجه به طلاق امکان پذیر نیست طلاق سبب افزایش آسیب های اجتماعی از قبیل خود کشی و اعتیاد به مواد مخدر و الکل می شود.

راهکارهای کاهش طلاق

1. پیشگیری از ایجاد اختلاف بین زن و شوهر
2. گذشت خردمندانانه برای پیشگیری از فروپاشی خانواده
3. محدودیت زمانی خاص برای طلاق
4. لزوم حضور دو شاهد عادل
5. لزوم حضور در مرکز مشاوره
6. وساطت داوران
7. توجه به مشکلات فرزندان
8. توجه به پیامدهای اقتصادی طلاق
9. ایجاد زمینه آشتی مجدد

پیشنهاداتی برای مواجهه با خانواده های آسیب دیده از طلاق:

- 1- تقویت فضایل اخلاقی: اگر فضایل اخلاقی مانند عطوفت، گذشت و مشورت بین زوجین تقویت شود، ضرر کمتری به فرزندان طلاق وارد می شود، حتی خود زوجین طلاق گرفته هم آسیب کمتری می بینند.
- 2- پذیرش موقعیت جدید: اگر زن و مرد پس از طلاق بپذیرند که زندگی در جریان است آنگاه به فعالیت های سرگرم کننده روزانه، مسافرت و ورزش و روابط با خویشان بپردازند، برایشان مطلوب تر است.
- 3- تقویت پیوندهای اجتماعی: صله رحم برای خانواده های طلاق، همچنین کانون مدرسه و مشاوره ها برای کودکان طلاق نقش مهمی دارد جلوگیری از بروز آسیب های دیگر خواهد داشت.
- 4- توجه به نیازهای فرزندان پس از طلاق: کودک از حیث عاطفی، آسیب زیادی دیده که باید به نیازهای او مثل نیازهای عاطفی توجه ویژه ای صورت گیرد.
- 5- تقویت نقش پدر پس از طلاق: طبق مطالعات دانشمندان، کودک طلاق به میزان حضور و فعالیت پدرش در صحنه زندگی وی، سازش پذیر خواهد بود و گرنه ضربات سختی خواهد دید.
- 6- ازدواج مجدد: طلاق آخر زندگی نیست. زوجین می توانند با تصمیم درست ازدواج مجدد داشته باشند.

اصول تربیت فرزند:

- 1- اصل تدریج: تدریج قاعده مهم آفرینش و دریافت وحی و ابلاغ پیام هی الهی است. همین قاعده هم باید در مورد تربیت فرزندان رعایت شود. تربیت باید بر اساس ظرفیت کودک و به مرور زمان صورت بگیرد.
- 2- هماهنگی والدین در تربیت فرزند: از آنجا که کودک هم پدر و هم مادر را دوست دارد، اگر پدر و مادر باهم تعارض روش تربیتی داشته باشند، کودک دچار سردرگمی میشود و به مرور زمان نمی تواند انتخاب های شایسته انجام دهد.
- 3- اصل محبت: محبت والدین به صورت متعادل، به فرزندان نشاط و شادابی روانی خواهد بخشید افراط و تفریط در محبت ممنوع.
- 4- اصل احترام و تکریم: رفتار احترام آمیز والدین با یکدیگر و با کودک باعث می شود کودک اعتماد بنفس پیدا کند و اجتماعی باشد.

5- توجه به تفاوت های فردی : انسان ها از جهت وضعیت جسمانی و مواردی نظیر هوش و حافظه ، درون گرایی و برون گرایی با یکدیگر فرق دارند . داشتن این نکته باعث می شود پدر و مادر کودکان خویش را با یکدیگر مقایسه نکنند .

6- اصل اعتدال : فشار و سخت گیری زیاد در نافرمانی یا خطای کودک ، باعث می شود او لج باز تر و عصیان گر تر شود .

همچنین آزادی و رهایی کامل کودک نیز باعث می شود کودک هر انتخابی را درست پندارد و به مرثر زمان تشخیص درست از نادرست برایش سخت گردد .

7- اصل مدارا : نرمی و مدارا انگیزه فرزندان را به سوی کار های خوب افزایش می دهد .

برخی از آثار و فواید فرزندآوری:

الف - فواید جسمانی : عاملی در حفظ سلامت مادران از جمله سرطان سینه - عاملی در کاهش خطر ابتلا به بیماری قلبی و سرطان و کاهش فشار خون - عملکرد بهتر مغز و بهبود حافظه مادران (پروفسور امیلی گراندر از دانشکده بهداشت و طب گرمسیری لندن می گوید: ازدواج و مادر شدن تأثیر زیادی در سلامت آینده زنان دارد و در برخی موارد به اندازه وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد اهمیت دارد).

ب - فواید روحی - روانشناختی : احساس لذت خوشبختی و نشاط بیشتر نسبت به خانواده های بدون فرزند - عامل سلامت روانی والدین - تامین نیاز والدین به مهرورزی - تامین نیاز غریزی همسران به ایفای نقش والدینی

ج - فواید خانوادگی : استحکام خانواده - پویایی خانواده - گسترش تعاملات و ارتباطات

آسیب های ناشی از تک فرزندی:

- اضطراب و دلواپسی ناخواسته و مداوم نسبت به وضعیت فرزند
- احساس نیاز و وابستگی شدید به تنها فرزند
- اشتغال ذهنی نسبت به جزئی ترین مشکل فرزند
- تنهایی و محرومیت زودهنگام از کمک و همراهی فرزند در صورت غیبت او (یعنی در زمان تحصیل - سربازی - ازدواج - فوت ...)

عوامل موثر بر کاهش باروری در ایران :

1. افزایش سطح علمی و دانشگاهی (افزایش میزان باسوادی زنان (52٪ در سال 1365 و 80٪ در سال 1385 برای زنان //
2. گرایش زنان به تحصیلات و آموزش عالی (7/4٪ درصد در سال 1365 و 20٪ درصد در سال 1385) تعداد جمعیت با تحصیلات عالی نسبت به هر 1000 نفر (1189 نفر در سال 1365 و 6143 نفر در سال 1385 برای زنان)
3. اشتغال زنان: توسعه اشتغال زنان (1/6 درصد در سال 1365 و 5/9 درصد در سال 1385)
4. تغییر نگرش در خصوص زندگی بهتر با فرزند کمتر
5. دخالت و برنامه های دولت برای تنظیم خانواده
6. نازایی بعد زایمان
7. افزایش شاخص ها و سن ازدوج و کاهش میزان ازدواج: افزایش سن ازدواج (به ترتیب برای مردان و زنان 24 و 7/19 در سال 1365 و 5/26 و 1/23 در سال 1385 و 7/26 و 4/23 در سال 90
8. سقط عمدی و نازایی بعد زایمان
9. شهرنشینی: توسعه شهرنشینی (60٪ در سال 1365 و 68٪ در سال 1385)
10. کاهش فاصله طبقاتی (توزیع بهتر درآمد)
11. توسعه اقتصادی
12. کاهش صله ارحام (کاهش روابط، حمایتها و روابط بین نسلی خانوادگی)
13. دخالت دولت و تصویب قوانین مشوق کاهش جمعیت و جریمه فرزند چهارم و بیشتر

برخی از عوامل موثر بر ناباروری در مردان و زنان:

تغذیه ناسالم / مواد غذایی منجمد شده / شرایط روحی و روانی نامناسب / نوع لباس / فن آوری / مواد مخدر و مشروبات الکلی / سیگار / مواد شیمیایی و آفت کشها / روش های پیشگیری از حاملگی / سن

جمعیت چیست؟ علم جمعیت شناسی را تعریف کنید.

جمعیت: مجموعه ای از انسانها که در یک واحد جغرافیایی مستمرا در قالب خانواده زندگی کرده و شرایط ملی قومی سیاسی واحدی دارند.

علم جمعیت شناسی: علمی است که به مطالعه چگونگی تحول و حرکات جمعیت ها در زمان و مکان می پردازد و پدیده های جمعیتی را به طور منظم بررسی می کند و امکان تحلیل کمی و کیفی جمعیت ها را فراهم می آورد.

برخی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشورهای با جمعیت سالمندی بالا:

مشکلات اقتصادی: کاهش نیروی کار- کاهش پرداخت کنندگان مالیات و حق بیمه افزایش بار مالی سازمانهای حمایتی و هزینه های مراقبت پزشکی- افزایش مراقبت از سالمندان (پزشک ویژه طب سالمندی-پرستار-دارو- تخت بیمارستان- هزینه بهداشتی درمانی یک سالمند چندبرابر سایر گروههای سنی است) تغییر برخی شغل ها

مشکلات اجتماعی: افزایش زنان سالمند بی سرپرست (حدود نیمی از زنان بالای 65 سال در ایران بدون همسرند) - کم رنگ شدن ارزشهای اخلاقی سنتی در خانواده (فشار بر نزدیکان معدود برای مراقبت از آنان و احتمال بی احترامی و بی اعتنائی) - کمبود فضای تفریح و آرامش برای سالمند

تعریف برخی اصطلاحات مربوط به دانش خانواده:

1. حضانت: نگه داری و تربیت فرزند که یکی از مسئولیت های غیر مالی زوجین نسبت با اوست و شامل مراقبت در قبال سلامت جسمانی، رسیدگی عاطفی، برآوردن نیاز های روحی، روانی و معنوی فرزند، و پرورش فکر و اخلاق فرزندان می باشد.
2. مهریه عندالمطالبه: هرگاه برای پرداخت مهریه، زمان و اجل معین نشده باشد، مهریه عندالمطالبه است. در این صورت به محض عقد، زن مالک مهر است و هر زمان که بخواهد می تواند مهریه خود را مطالبه کند.
3. مهریه عندالاستطاعه، یعنی زمان پرداخت مهریه، زمانی است که زوج، توانایی و استطاعت پرداخت را داشته باشد، پس پرداخت آن منوط به استطاعت، زوج است.

4. ناشزه: زنی که حقوق شوهرش را رعایت نمی کند و نسبت به او تمکین ندارد؛ یعنی در مسائل جنسی و غیر آن مثل خروج از منزل بدون رضایت شوهرش، اطاعت پذیری ندارد.
5. فسخ نکاح: اختیار برهم زدن عقد از سوی همسر مغبون و فریب خورده.
6. طلاق رجعی: آن است که بعد از طلاق تا مدت معینی که زن در عده است (یعنی مدت سه ماه) مرد می تواند به او رجوع کند و بدون خواندن عقد مجدد، او را به همسری قبول نماید.
7. طلاق بائن: آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد بدون خواندن عقد نکاح جدید به آن زن مراجعه کند.
8. طلاق خلع: مرد امکان رجوع به زن را ندارد و زن می تواند از بخشی از مهریه یا تمام مهریه چشم پوشی کند. (در واقع زن حاضر به زندگی با شوهرش نیست و با بخشیدن مهریه، تقاضای طلاق می کند)
9. طلاق مُبارات: طلاق مُبارات: این نوع طلاق هنگامی رخ می دهد که زن و شوهر، یکدیگر را دوست نداشته باشند و زن مالی به شوهرش ببخشد تا شوهرش او را طلاق دهد که البته این مال بیش تر از مقدار مهر نباشد و احتیاط این است که کم تر باشد. طلاق مبارات از این جهت با طلاق خُلع متفاوت است که طلاق خُلع بدین صورت است که چون زن از شوهرش متنفر باشد، مهریه یا مال دیگری را، گرچه بیش تر از مهر باشد، به شوهرش می بخشد تا طلاقش دهد.
10. نفقه اقارب: کمک و انفاق که شخص باید در حال نیازمندی پدر و مادر و فرزندان کوچک خود داشته باشد. شرطه نفقه اقارب، ناتوانی پدر و مادر و توانایی آن شخص است.
11. عفت، پاکدامنی و خویشتن داری: «عفت» عبارت است از تسلیم و اطاعت شهوت در برابر عقل؛ یعنی قوه شهوانی انسان، کارهای خود را بر اساس دستور عقل انجام دهد. عفت، به طور کلی و مخصوصاً عفت در شهوت جنسی که از آن به پاکدامنی تعبیر می شود، مربوط به مردان و زنان است. هنگامی که خداوند خیر و خوبی بنده اش را بخواهد، در برابر غذاهای حرام عفت شکم، و در برابر مُحَرّمات جنسی، عفت جنسی به او می دهد.
12. حریم شخصی یا حریم خصوصی: یعنی یک فرد یا گروه بتواند خود و یا اطلاعات مربوط به خود را مجزا کند و در صورت صلاحدید خودش و با انتخاب خویش آن اطلاعات را در برابر دیگران

آشکار کند. هر چند کانون خانواده، کانونی گرم و سرشار از همدلی ها و روابط ناگسستنی است، ولی حریم خصوصی درباره اعضای خانواده نیز صدق می کند و آنها در موارد زیر است:

- حریم خلوت (مثل اتاق اختصاصی زن و شوهر)،
- حریم جسمانی (تفتیش برخی از اعضای بدن که عورت محسوب می شود، جایز نیست).
- حریم اطلاعات (برخی اطلاعات مثل اطلاعات کامپیوتر شخصی و موبایل، حریم خصوصی اند)

- حریم جنسی (نحوه رفتار جنسی بین زوجین)
- حریم ارتباطات (مثلا استراق سمع مکالمات تلفنی ضد اخلاقی است)
- حریم شخصیت (افشای اسرار و بازگو کردن ویژگیهای شخصیتی اعضای خانواده به دیگران مذموم است)

13. مودت: مودت، در نگاه اجمالی همان محبت است، ولی محبتی که ابراز شده است. مودت همان رفتار محبت آمیز است.

تفاوت های دیگری که بین این دو واژه وجود دارد، بدین صورت است که مودت دوست داشتن دائمی است ولی محبت محدوده زمانی دارد. / مودت خیانت ندارد، ولی محبت خیانت دارد. / مودت تنوع گرایی ندارد اما محبت تنها، تنوع گرایی دارد. / مودت، زمان و مکان و فاصله نمی شناسد ولی محبت با فاصله ها از بین می رود. / مودت محبتی است که در آن، دو طرف با هم تعالی و رشد پیدا می کنند. / در مودت، دلبستگی وجود دارد که سرچشمه آن عشق است ولی در محبت های معمولی وابستگی وجود دارد. / مودت دو طرفه است ولی محبت می تواند یک طرفه باشد.

14. اعتیاد جنسی چیست؟ مراجعه به داخل جزوه

تحلیل و تبیین برخی آیات و احادیث پیرامون دانش خانواده

اول: خداوند متعال در بیان آثار سازنده پیوند زناشویی می فرماید: **وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُوْنَ** ؛ و از نشانه های او اینکه

همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و بین شما مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

1. همان طور که قبلاً بیان شده مودت فراتر از محبت و ابراز محبت و علاقه است.
2. این احساس مودت و ابراز محبت و رحمت را خداوند در وجود زوجین قرار می‌دهد که همین که ازدواج صورت بگیرد، خداوند حس ابراز و دریافت محبت را در بین زوجین جعل می‌کند.
3. ازدواج باعث آرامش است؛ در واقع این که چگونه ازدواج باعث آرامش می‌شود، به خاطر کارکردهایی است که با ازدواج فراهم می‌گردد. انسان‌ها تشنه محبت اند؛ با ازدواج تأمین می‌شود. نیاز جنسی، نیاز به زندگی مستقل، نیاز به داشتن فرزند و... همگی آنها با ازدواج تأمین می‌گردد و در نتیجه انسان به آرامش می‌رسد، ضمن این که مهم‌تر از همه خداوند متعال چنین آرامشی را در تشکیل خانواده جعل نموده و قرار داده است.

دوم: عبدالله بن سنان می‌گوید: از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسش نمودم که ملائکه افضلند یا بنی آدم. حضرت در پاسخ از جدش علی (علیه السلام) حدیث نمود که فرموده اند: خداوند در ساختار ملائکه، عقل را بدون شهوت مستقر ساخته است، و در حیوانات شهوت بدون عقل. اما در اولاد آدم، عقل و شهوت را با هم و در کنار هم قرار داده است. هر انسانی که عقلش بر شهوتش پیروز گردد، برتر از فرشته است و هر انسانی که شهوتش بر عقلش غلبه کند بدتر و پست از حیوان است. (منبع: وسائل، جلد 4، کتاب جهاد، باب وجوب غلبه العقل ص 29)

1. زمانی که فرمانده وجودی انسان با عقل باشد، او برترین آفریده خدا خواهد بود، و زمانی که شهوت بر عقل غلبه کند، همان انسان از انسانیت خارج شده، پست‌تر از حیوان می‌گردد.
2. این روایت، در مواجهه با نیروی جنسی، راهکار آزادی و رهایی کامل غریزه جنسی و به تعبیری شهوترانی را مردود می‌داند.

سوم: پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله: حَبِّكَ لِلشَّيْءِ يَعْصِي وَ يَصْمُ ؛ دوست داشتن چیزی، تو را کور و کر می‌کند. (من لا يحضره الفقيه ج 4، ص 380، ح 5814)

1. پیامبر خدا در احادیث فراوانی بر لزوم محبت در طول زندگی خانوادگی و اجتماعی تأکید

داشته است، در عین حال به این نکته روان شناسانه توجه می دهد که محبت به کسی یا چیزی سبب کم رنگ شدن تعقل می گردد.

2. به همین جهت در ارتباط عاطفی بین دختر و پسر که از ابتدا با یک هیجان عاطفی شروع

می شود و به وابستگی ختم می گردد، نقص های طرفین دیده نمی شود. چنین ازدواج هایی با مشکلاتی روبرو می گردد؛ زیرا بهر حال هیجانات مدتی بعد فروکش می کند و نقص ها دیده می شود و منجر به کاهش رضایتمندی زناشویی می شود.

چهارم: امام صادق علیه السلام می فرماید: **كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً**؛ چه بسا نگاهی که حسرتی طولانی را در پی دارد.

1. نظره به معنای نگاه کردن با تأمل و دقت است. در اینجا نظره آمده است؛ یعنی نگاه کوتاه و ظاهرا گذرا.

2. حسرت به معنای غم و اندوه بر آن چیزی است که از دست رفته و به معنای پشیمانی بر آن چیزی است که از دست داده، و به معنای افسوس و تأسف خوردن بر آن چیزی است که از دسترس انسان دور شده است. در اینجا حسرت طولانی منظور است.

3. وقتی یک نگاه کوتاه، حسرت و اندوه و افسوس طولانی در پی دارد، نگاه های مکرر و پی در پی

عواقب بسیار بدی خواهد داشت و فرد را دچار بیماری های روحی و روانی بسیاری می کند.

4. از نظر روانشناسی، چشم چرانی یک نوع انحراف قلمداد می شود. این انحراف هرگاه در کسی به

وجود آید قابل توقف نخواهد بود و هر لحظه بر میزان آن افزوده خواهد شد. از طرفی هر چه چشم چرانی بیشتر می شود، بیماری های روحی را تشدید می کند.

پنجم: امام صادق علیه السلام می فرماید: **مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (النور، 32)**؛ هر که از ترس تهیدستی ازدواج را ترک

کند، به خدای عزوجل گمان بد برده است. خداوند عز و جل می‌فرماید: «اگر تهیدست باشند خداوند از فضل خود توانگرشان می‌سازد.

1. جامعه امروز یکی از مهم‌ترین موانع ازدواج را نداشتن امکانات مادی مناسب می‌داند، در

صورتی که طبق روایت شریفه حتی ترس از فقر نیز مانع ازدواج نیست. کسی که چنین تفکرات منفی دارد، باید در ایمان خود تجدید نظر کند و اعتمادش را به خداوند افزایش بدهد.

2. نص صریح قرآن و صراحت آیه شریفه است که خداوند انسان را بی‌نیاز می‌گرداند، به

شرط آن که خود را وابسته کامل خداوند ببیند.

ششم: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بیان معیارهای انتخاب همسر می‌فرماید: «تُنَكِّحُ الْمَرْأَةَ عَلَى أَرْبَعِ خِلَالٍ: عَلَى مَالِهَا، وَعَلَى دِينِهَا، وَعَلَى جَمَالِهَا، وَعَلَى حَسَبِهَا وَنَسَبِهَا، فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ؛ با زن به خاطر چهار چیز ازدواج می‌شود: مال و ثروتش، دینداریش، زیبایی اش و اصل و نسب و خانواده اش. پس بر توست که با زن متدین ازدواج کنی.

1. بر این اساس، اگر زن را به خاطر مال و ثروتش برگزیند، به محض اینکه زن متوجه شود

مرد با این انگیزه با او ازدواج کرده است، صفا و گرمی و الفتی که بین این دو باید باشد دچار مشکل شده، گاهی قلب زن مملو از کینه و کدورت نسبت به همسرش می‌شود و بدین سان، هر طور شده به او اجازه رسیدن به اهداف مالی اش را نمی‌دهد و زندگی مشترکشان یا قطع می‌شود و یا در صورت تداوم، بسیار بی‌روح، سرد و نفرت‌آمیز خواهد بود.

2. اگر زن را فقط به لحاظ زیبایی اش برگزیند، پس از مدتی دیدار یک چهره زیبا برایش

عادی و کم‌جاذبه می‌شود و چنانچه این زن زیبا فاقد تدین و اخلاق نیکو و یا احیانا دارای رذایل اخلاقی باشد، همین چهره زیبا برای مرد مایه دردسر می‌شود؛ زیرا پیوسته نظر مردان نامحرم را به خود جلب می‌کند و غیر از رنج و آزار برای شوهرش چیزی به ارمغان نمی‌آورد و به تدریج به جایی می‌رسد که نه تنها زیبایی او برایش لذت بخش نیست؛ بلکه ملالت آور است و این جاست که دیگر انگیزه ای برای ادامه زندگی، در خود نمی‌بیند.

3. و اگر زن را تنها برای اصل و نسبش انتخاب کند، چنانچه منظور از اصل و نسب و خانواده، اصالت

و بزرگواری و تشخیص آنها باشد، در صورتی مطلوب است که این اصالت و سلسله نیکو ادامه یابد و این دختر هم بهره ای از آن برده و توأم با آن، دیندار باشد. و گرنه اگر نصیبی از آن تشخیص و بزرگ منشی نبوده باشد، هیچ ارزشی ندارد. بنابراین، اگر منظور از اصل و نسب، صرفاً برخورداری از سلسله خانوادگی معروف و سرشناس از حیث امور دنیوی و ظاهری باشد، در این صورت از آنجایی که زن متدین نیست، کمترین مفسده و مشکلی که برای مرد به وجود می آورد این است که گاه و بی گاه، اجداد و سلسله خود را به رُخ مرد کشیده و او را در مواقع و مواضع مختلف تحقیر می کند و به خاطر نداشتن روحیه تواضع و فروتنی نمی تواند کانون خانواده را گرم نگه دارد و به هر حال، معروفیت و مشهوریت خانواده زن به رونق زندگی مشترک، کمکی نخواهد کرد؛ بلکه در بسیاری از اوقات مانع بزرگی برای ایجاد دوستی و الفت بین زوجین خواهد شد.

4. اگر جوان، همسرش را براساس تدین و اخلاقی برگزیند، از آنجایی که این زن، زیبایی باطنی و

درونی دارد، هر روز که از زندگی مشترک آنها سپری می شود، نه تنها این جاذبه و زیبایی برای مرد عادی و خسته کننده نمی شود؛ بلکه روز به روز بیشتر شیفته اخلاق او شده و به تدریج علاقه و وابستگی اش به او افزون می گردد؛ چرا که این جذابیت باطنی، ویژگی و خاصیتی است که خداوند متعال در انسان دیندار و صاحب اخلاق نیکو قرار داده است.

هفتم: امام علی علیه السلام: **بِالتَّوَدُّدِ تَتَأَكَّدُ الْمَحَبَّةُ**؛ با اظهار محبت و دوستی، محبت افزایش می یابد.

1. هر چند دوستی و محبت ممکن است در دل وجود داشته باشد، اما ابراز آن محبت درونی، سبب تقویت محبت می گردد.

2. به همین جهت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **مرد وقتی به زنش بگوید دوستت**

دارم، این سخن هرگز از دل او بیرون نمی رود. و به همین جهت است که زمانی که مردی به امام باقر عرض کرد: **من فلانی را دوست دارم، حضرت فرمود: او را از این دوستی آگاه کن، که برای دوام موثرتر و در الفت بهتر است.**

3. در احادیث دیگری داریم که **الانسان عبید الاحسان؛ یعنی انسان بنده احسان و نیکی کردن است.**

بنابراین وقتی کسی به او احسان و نیکی می نماید، مهر و علاقه احسان کننده بر دل او می نشیند. فطرت و سرشت انسان به گونه ای است که وقتی به او احسان و نیکی می شود، مجذوب می شود و انس می گیرد. تودد و ابراز محبت، یکی از والاترین موارد احسان است که زن و شوهر باید نسبت به همدیگر داشته باشند.

هشتم: امام علی علیه السلام: **أَذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ وَبَقَاءَ التَّبِعَاتِ**؛ سر آمدن خوشی‌ها و بر جای ماندن پیامدهای ناگوار آنها را همواره یاد کنید.

1. هر کاری که انسان انجام می دهد، یک دستاورد یا پیامدی دارد. لذت‌هایی که نصیب انسان‌ها می شود، مثل سایر امور، دارای نتایجی هستند. لذت‌ها دو گونه هستند؛ برخی لذت‌ها زودگذرند، مثل لذت‌های مادی. اما برخی لذت‌ها ماندگار و پایدارند، مثل لذت‌مناجات.
2. امام علی علیه السلام به این نکته توجه می دهند که هر چند انسان، لذت‌خواه است و چشیدن انواع و اقسام لذت‌ها را دوست دارد، اما باید به خود یادآوری نماید که امور لذت‌بخش بالاخره تمام می شود و قطع می گردد، ولی آثار آن باقی می ماند.
3. عاقبت همه لذت‌ها، خوب نیست، بلکه برخی از لذت‌ها، عاقبتی جز ذلت ندارد. پس اگر انسان، عاقبت‌اندیش باشد، هر کار لذت‌بخشی را مرتکب نمی شود.

دگر شهوت نفس، لذت نخوانی

اگر لذت ترک لذت بدانی

گرت باز باشد دری آسمانی

هزاران در از خلق بر خود ببندی

که اوقات ضایع مکن تا توانی

وصیت همین است جان برادر

نمونه سوال های درس دانش خانواده:

1. نظریه مزلو را در نیازهای اساسی انسان تشریح نمایید.
2. تفاوت های میل و نیاز را بیان نمایید.
3. چهار راهکار در مواجهه با نیاز جنسی و نیاز عاطفی نام برده، راهکارهای عقلی و مشروع را ذکر نمایید.
4. پیامدهای روابط آزاد با جنس مخالف را بر شمارید؟
5. دوستی با جنس مخالف چه پیامدهایی دارد؟
6. ...و... دو نیاز مهمند که انسان را به سمت تشکیل خانواده رهنمود می سازند. الف) شهوت- نیاز جنسی
ب) نیاز جنسی - نیاز عاطفی ج) محبت - نیاز به احترام د) همگرایی - دیگرگرایی
7. ضررهای خود ارضایی (استمنا) را بر شمارید؟
8. تفاوت عادت مثبت با عادت منفی در چیست؟
9. اعتیاد جنسی چیست و موارد (مصادیق) آن کدامند؟
10. راهکارهای ترک اعتیاد جنسی چیست؟
11. عفت و پاکدامنی را تبیین نمایید.
12. در خویشتن داری قبل از ازدواج؛ دین بر چه اموری تاکید می کند؟
13. انواع نگاه ها را تقسیم بندی نمایید و حتی المقدور برای هر کدام یک مثال بزنید.
14. چشم چرانی چه پیامدهایی دارد؟ به اختصار توضیح داده شود.
15. دلایل بدحجابی و پوشش نامناسب چیست؟
16. فلسفه و کارکرد حجاب در جنبه فردی و اجتماعی را نام ببرید.
17. آثار ازدواج را از منظر آموزه های دینی بیان نمایید؟
18. معیارهای همسر شایسته را نام ببرید. یکی را تحلیل نمایید.
19. کفویت شرعی چه تفاوتی با کفویت اجتماعی دارد؟
20. اگر سلامتی، یکی از معیارهای ازدواج است، ازدواج با جانبازان و معلولان چگونه تحلیل می گردد؟
21. آیا دختر می تواند از مرد مورد علاقه اش خواستگاری کند؟
22. موانع فعلی ازدواج کدامند؟ راه تسهیل را به صورت کلی توضیح دهید.

23. اصول اخلاقی ناظر بر ماهیت جمعی و روابط اعضای خانواده را توضیح دهید.
24. محبت با مودت چه تفاوتی دارد؟
25. تناسب حق و تکلیف یعنی چه؟ یک مثال بزنید.
26. حقوق و تکالیف غیر مالی زوجین را نام ببرید.
27. سه مورد از کارکردهای نفقه را به صورت اختصار توضیح دهید.
28. مرد در چه مواردی می تواند نفقه را پرداخت نکند؟
29. مسئولیت های مالی مردان در قبال خانواده چیست؟ توضیح دهید.
30. انواع مهریه را از حیث زمان تعیین مهریه تقسیم کنید؟
31. انواع مهریه را از حیث مطالبه و پرداخت تقسیم نمایید.
32. تفاوت مهرالمثل و مهرالمتعہ در چیست؟
33. تفاوت مهرالمسمی را دو نوع دیگر مهریه چیست؟
34. شرایط صحت مهریه کدامند؟
35. مهریه عندالمطالبه با مهریه عندالاستطاعه چه فرقی دارد؟
36. حق آزادی اقتصادی درون خانواده و بیرون خانواده را توضیح دهید؟
37. عوامل رشد فضایل اخلاقی و معنوی در خانواده را توضیح دهید.
38. عوامل استحکام خانواده را نام ببرید.
39. برخی از مصادیق حریم خصوصی در کانون خانواده را ذکر کنید.
40. چگونه دین داری باعث تحکیم خانواده می شود؟
41. چه ارتباطی بین دین داری، خلاقیت و استحکام خانواده وجود دارد؟
42. چگونه خوش اخلاقی باعث استحکام خانواد می شود؟
43. تفاوت های جسمانی مردان و بانوان کدامند؟
44. تفاوت های روانی، احساسی و عاطفی مردان و بانوان کدامند؟
45. برخی از تفاوت های شهوانی مردان و بانوان را بیان نمایید؟
46. کارکردهای خانواده کدامند؟

47. چگونه کارکرد های خانواده تقویت می شود ؟
48. چرا سن ازدواج افزایش پیدا کرده است؟ با ارتباطات و تحولات جهانی تحلیل نمایید.
49. برخی مسایل و تغییرات در زندگی معاصر غربی را نام ببرید.
50. سه نمونه از مشکلات خانواد معاصر را (ناشی از تغییرات جهانی) توضیح دهید.
51. انحراف اولویت حق نسبت به تکلیف را در تضعیف خانواده تحلیل کنید.
52. عوامل شناختی تضعیف خانواده را نام ببرید و یک مورد را توضیح دهید.
53. عوامل رفتاری تضعیف خانواده را نام ببرید.
54. در مواجهه با خشم یکی از اعضای خانواده ، علل خشم او را تحلیل کنید؟
55. راه حل مواجهه با مشکلات زندگی چیست ؟
56. شما چه راههایی برای ایمن سازی خانواده از آسیب ها ارائه می دهید.
57. فسخ نکاح با طلاق چه تفاوتی دارد ؟
58. عیوب فسخ نکاح را به صورت مشترک و اختصاصی بیان کنید.
59. انواع طلاق کدامند؟ نام ببرید.
60. چرا طلاق در کشور ایران افزایش پیدا کرده است ؟
61. برخی از راهکارهای کاهش طلاق را نام ببرید.
62. در مواجهه با خانواده های آسیب دیده از طلاق چه شیوه هایی وجود دارد ؟
63. اصول تربیت فرزند را نام برده، تبیین نمایید.
64. فرزندآوری چه آثار و فوایدی را در پی دارد؟
65. تک فرزندی چه آسیب هایی را متوجه والدین خواهد کرد؟
66. عوامل موثر بر کاهش باروری در ایران کدامند؟
67. برخی از عوامل موثر بر ناباروری در مردان و زنان را نام ببرید.
68. جمعیت چیست؟ علم جمعیت شناسی را تعریف کنید.
69. برخی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشورهای با جمعیت سالمندی بالا را ذکر کنید.

70. اصطلاحات زیر را تعریف کنید؟ حضانت، ناشزه، فسخ نکاح، طلاق رجعی، طلاق بائن، طلاق خلع، طلاق مُبارات، نفقه اقارب، مهریه عند المطالبه، مهریه عند الاستطاعه، حریم خصوصی، مودت، اعتیاد جنسی.

71. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ طبق آیه شریفه، رابطه بین ازدواج و آرامش را بیان نمایید.

72. رابطه عقل و شهوت را بر اساس روایات تحلیل نمایید.

73. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله: حَبِيبٌ لِلشَّيْءِ يَعْصِي وَ يَصْمُ؛ دوست داشتن چیزی، تو را کور و کر می کند. این حدیث نبوی را درباره ازدواج تحلیل نمایید.

74. كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً؛ بر اساس حدیث شریفه، نگاه چه پیامدی دارد؟ آن را توضیح دهید.

75. (مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِيهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ (النور، 32) ؛ هر که از ترس تهیدستی ازدواج را ترک کند، به خدای عزوجل گمان بد برده است. خداوند عز و جل می فرماید: «اگر تهیدست باشند خداوند از فضل خود توانگرشان می سازد.» کلام نورانی امام صادق علیه السلام که برگرفته از آیه شریفه قرآن است، بر چه موضوعی دلالت دارد، لطفاً توضیح دهید.

76. «تُنَكِّحُ الْمَرْأَةَ عَلَى أَرْبَعِ خِلَالٍ: عَلَى مَالِهَا، وَعَلَى دِينِهَا، وَعَلَى جَمَالِهَا، وَعَلَى حَسَبِهَا وَنَسَبِهَا، فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ؛ با زن به خاطر چهار چیز ازدواج می شود: مال و ثروتش، دینداریش، زیبایی اش و اصل و نسب و خانواده اش. پس بر توست که با زن متدین ازدواج کنی.» بر اساس حدیث نبوی، میزان و ملاک زیبایی را در انتخاب همسر بیان نمایید.

77. امام علی علیه السلام: بِالتَّوَدُّدِ تَتَأَكَّدُ الْمَحَبَّةُ. بر اساس روایت امام علی علیه السلام رابطه مودت و محبت را توضیح دهید.

78. : أذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَّاتِ وَبَقَاءَ التَّبَعَاتِ؛ حدیث امام علی علیه السلام را پیرامون لذت، توضیح دهید.

79. تحقیق خود را به صورت مختصر توضیح دهید.

80. به نظر شما مهم ترین مسئله در درس دانش خانواده چیست که در جلسه درس بیان نشده است.

همدیگر را از دعای خیر فراموش نکنیم. موفق باشید.

حاجی پور